

چشمه جاری

وقف در آئینه آیات و روایات



سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی

بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ



چشمه جاری

وقف در آئینه آیات و روایات



چشمه جاری

وقف در آئینه آیات و روایات

ناشر: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه
تهیه و تدوین: مجتمع فرهنگی پژوهشی اوقاف
(به سفارش اداره کل اعزام مبلغ و امور دینی سازمان اوقاف و امور خیریه)
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات اوقاف
قطع: پالتویی

نوبت چاپ: پاییز ۱۳۹۲

شمارگان: ۳،۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

سایت سازمان: www.awqaf.ir

سایت معاونت: www.mfso.ir

سایت مجتمع: www.mfpo.ir

آدرس: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه، معاونت فرهنگی و اجتماعی
آدرس مجتمع: قم، خیابان شهدا (صفائیه)، کوچه ممتاز، کوی ۷، پ ۳۳، مجتمع فرهنگی پژوهشی
معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

تلفن: ۳۷۷۴۴۳۱ - ۰۲۵، نمابر: ۳۷۷۳۷۱۳۱ - ۰۲۵

غیر قابل فروش

اهدایی معاونت فرهنگی و اجتماعی
سازمان اوقاف و امور خیریه

فهرست

در آمد/ ۹

اهمیت و جایگاه وقف در اسلام/ ۱۱

آیات: / ۱۱

روایات: / ۱۶

احکام: / ۱۷

تعریف وقف: / ۱۹

جایگاه وقف در اسلام: / ۲۰

اصطلاحات مخصوص وقف: / ۲۲

نکات: / ۲۵

گستره وقف/ ۲۶

آیات: / ۲۷

روایات: / ۲۹

احکام: / ۳۰

داستان: / ۳۲

پیامبر و واقف: / ۳۲

نکات: / ۳۳

آثار و کارکردهای وقف/ ۳۶

آیات: / ۳۶

روایات: / ۳۹

احکام: / ۴۳

داستان: / ۵۰

فرزند صالح، صدقه جاریه: / ۵۰

تلقین بیمار: / ۵۱



ضرب المثل: ۵۲/

نکات: ۵۲/

وقف در سیره معصومان/ ۵۵

آیات: ۵۵/

روایات: ۵۹/

احکام: ۶۴/

وقف در سیره پیامبر و اهل بیت علیهم السلام: ۶۵/

وقف و امام حسین علیه السلام/ ۷۸

آیات: ۷۸/

روایات: ۸۰/

احکام: ۸۱/

داستان: ۸۳/

وصیت یک شهید و کمک به مسجد: ۸۳/

وقف مهدوی/ ۸۴

آیات: ۸۵/

روایات: ۸۶/

احکام: ۸۷/

داستان: ۸۸/

جسارت نابینا و عنایت امام زمان علیه السلام: ۸۸/

نامه امام زمان علیه السلام به پیرمرد زنجان: ۹۱/

نکات: ۱۰۲/

چکامه ای از وقف علما و ملوک/ ۱۰۳

آیات: ۱۰۴/

روایات: ۱۰۶/

احکام: ۱۰۶/

داستان: ۱۰۸/

روش زندگی و سیره سید مرتضی: ۱۰۸/

شاه عباس: ۱۱۱/

نمونه هایی از وقف ملوک: ۱۱۲/

وقف و توسعه علوم: ۱۱۵/

آیات: ۱۱۵/

روایات: ۱۱۷/

احکام: ۱۱۸/

داستان: ۱۱۹/

ربع رشیدی موقوفهای کم نظیر: ۱۱۹/

خردسالترین واقف جهان: ۱۲۱/

دارالعلم شاهپور (سابور): ۱۲۱/

نکات: ۱۲۳/

وقف در ادیان و ملل: ۱۲۵/

آیات: ۱۲۵/

احکام: ۱۲۶/

داستان: ۱۲۸/

اوقاف ظروف: ۱۲۸/

نکات: ۱۲۹/

وقف، میراث ماندگار: ۱۳۰/

آیات: ۱۳۰/

روایات: ۱۳۱/

احکام: ۱۳۴/

داستان: ۱۳۵/



شیخ انصاری و خرید خانه پایدار یا مسجد: ۱۳۵/

پل آهنچی: ۱۳۷/

ضرب المثل: ۱۳۸/

نکات: ۱۳۹/

وقف و تألیف قلوب: ۱۳۹/

آیات: ۱۴۰/

احکام: ۱۴۲/

ضرب المثل: ۱۴۲/

نکات: ۱۴۳/

آسیب شناسی وقف: ۱۴۴/

آیات: ۱۴۴/

روایات: ۱۴۶/

احکام: ۱۵۰/

داستان: ۱۵۳/

داستان بهلول و هارون: ۱۵۳/

ضرب المثل: ۱۵۴/

نکات: ۱۵۴/

کتابنامه: ۱۵۵/

درآمد

وقف موهبتی الهی برای اعتلای زندگی انسان قرار داده شده است تا از ثمرات میراث ماندگارش جهانیان منتفع گردند. این چشمه جوشان برکاتی بس بزرگ برای جامعه بشری به ارمغان آورده است. موقوفات فیض مستمر و جاودانه ای است که قدمت آن با تاریخ پیوند ناگسستنی دارد. این چشمه جاری روح نوع دوستی و تقرب به خداوند را در جان ها زنده می کند و امید امیدواران را ازدیاد و آلام مستضعفین را تسکین می بخشد. به ارتقاء فرهنگ دینمداری کمک و گستره دینداری را توسعه می بخشد. اهتمام و رهنمود به وقف مورد توجه جدی شریعت اسلامی و نقطه مشترک آزادگان در اطوار مختلف تاریخ و جوامع متنوع بشری می باشد.

این نوشتار با یک مهندسی نظام مند اطلاعات ارزنده ای از قبیل آیات، روایات و حکایات در اختیار طیف عظیم و موثر مبلغین دین و فرهنگ و دیگر علاقمندان حوزه وقف قرار می دهد تا ضمن درک اهمیت موضوع زمینه ترویج و گسترش این فرهنگ مهیا کنند.

در خاتمه ضمن تشکر از گروه پژوهشی حدیث و زندگی بویژه پدیدآورندگان این اثر آقایان علی توحیدی نژاد، عباس محمودی، حسین مرادی دولت-آبادی، علی اکبر خدّامیان آرانی، صهیب تقوی توفیق روزافزونشان را از خداوند متعال مسئلت داریم.

معاونت فرهنگی و اجتماعی

سازمان اوقاف و امور خیریه

اهمیت و جایگاه وقف در اسلام

وقف یک مقوله انسانی و بشردوستانه است که مورد اهتمام جدی دین مبین اسلام قرار گرفته است به طوری که رهنمودهای ارزنده‌ای در قالب آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام پیرامون موضوع وقف و مشتقات آن وارد شده است.

آیات:

۱. «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمْلاً»؛
مال و فرزندان، زینت زندگی دنیاست و باقیات صالحات [ارزشهای پایدار و شایسته] ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امیدبخش‌تر است.

بنابر حدیثی که کلینی^۲ و دیگران از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند، شخص مخاطب آن حضرت، پس از شنیدن آثار اخروی اذکار تسبیح و تحمید و تهلیل و تکبیر و اینکه آنها مصداق «الباقیات الصالحات» اند، باغی را که در دست احداث داشت در راه خدا و

۱. الکهف: ۴۶.

۲. الکافی: ج ۲، ص ۵۰۶.

برای مستمندان وقف کرد؛ با این همه، از صورت واقعه بر نمی آید که رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم این اقدام او را از «الباقیات الصالحات» شمرده باشند. منشأ این دلالت عرفی را می توان احادیث فراوانی دانست که درباره اهمیت صدقه جاریه (وقف و امثال آن) روایت شده است. بر طبق این حدیث، یکی از مواردی که پس از مرگ سبب استمرار کسب ثواب و اجر می شود وقف است. بنابر این، به لحاظ همین استمرار کسب می توان آن را حتی بعد از مرگ نیز باقیات صالحات دانست.

۲. «وَ یَزِیدُ اللّٰهُ الَّذِینَ اهْتَدَوْا هُدًیً وَ الْبَاقِیَاتُ الصَّالِحَاتُ خَیْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَیْرٌ مَّرَدًّا»؛^۲ (اما) کسانی که در راه هدایت گام نهادند، خداوند بر هدایتشان می افزاید و آثار شایسته‌ای که (از انسان) باقی می ماند، ثوابش در پیشگاه پروردگارت بهتر، و عاقبتش خوبتر است.

۳. «آمِنُوا بِاللّٰهِ وَ رَسُوْلِهِ وَ انْفَقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِیْنَ فِیْهِ فَالَّذِیْنَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ انْفَقُوا لَهُمْ

^۲. مریم: ۷۶.

أَجْرٌ كَبِيرٌ»^۴؛ به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از آنچه شما را جانشین و نماینده (خود) در آن قرار داده انفاق کنید (زیرا) کسانی که از شما ایمان بیاورند و انفاق کنند، اجر بزرگی دارند.

۴. «ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ»^۵؛ این همان چیزی است که خداوند بندگان را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند به آن نوید می‌دهد! بگو: من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم [اهل بیت] و هر کس کار نیکی انجام دهد، بر نیکی‌اش می‌افزایم چرا که خداوند آمرزنده و سپاسگزار است.

۵. «إِنَّ الْمُسَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ»^۶؛ مردان و زنان انفاق‌کننده، و آنها که (از این راه) به خدا «قرض الحسنه» دهند، (این قرض

۴. حدید: ۷.

۵. شوری: ۲۳.

۶. حدید: ۱۸.

الحسنه) برای آنان مضاعف می‌شود و پاداش
پرارزشی دارند.

از رسول خدا روایت شده است: در اموال حقی است
غیر از زکات مقرر که به وجه احسن باید اخراج شود از
مال طیب و پاکیزه. و برخی معتقد هستند که منظور از
قرض الحسنه، همان انفاق‌های مستحبی است و این
بزرگوارانه ترین تعبیری است که در این زمینه تصوّر می
شود؛ چرا که مالک تمام ملک‌ها از کسی که مطلقاً
چیزی ندارد، قرض می‌طلبد تا از این طریق وی را به
انفاق و ایثار و کسب فضیلت این عمل خیر تشویق کند.
چنان چه منظور از «قرضاً حسناً» هر کار خیری باشد،
وقف می‌تواند یکی از مصادیق آن باشد؛ چنان که از
مصادیق خیر نیز می‌تواند به شمار رود؛ به همین دلیل
در برخی از کتب آیات الاحکام، این آیه در شمار آیات
مربوط به وقف ذکر شده است.

افزون بر آیه یاد شده، آیات دیگری که درباره قرض
هستند، با همان استدلال می‌توانند درباره وقف نیز
باشند؛ از جمله «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا

فِيضَاعِفُهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ»^۷؛ «إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ»^{۸، ۹}

۶. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا»^{۱۰}؛ مسلماً کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، ما پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهیم کرد.

۷. «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^{۱۱}؛ هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد.

۱۰. «وَ آتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ»^{۱۲}؛ چیزی از مال خدا را که به شما داده است به آنان بدهید.

^۷. حدید: ۱۱.

^۸. تغابن: ۱۷.

^۹. تفسیر نمونه: ج ۲۷ ص ۱۴۶.

^{۱۰}. کهف: ۳۰.

^{۱۱}. نحل: ۹۷.

^{۱۲}. نور: ۳۳.

روایات:

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سِتُّ خِصَالٍ يُتَنَفَعُ بِهَا الْمُؤْمِنُ بَعْدَ مَوْتِهِ وَكَدُّ صَالِحٍ يَسْتَغْفِرُ لَهُ وَ مُصْحَفٌ يَقْرَأُ فِيهِ وَ قَلِيبٌ يَحْفَرُهُ وَ غَرْسٌ يَغْرِسُهُ وَ صَدَقَةٌ مَاءٍ يُجْرِبُهُ وَ سُنَّةٌ حَسَنَةٌ يُؤْخَذُ بِهَا بَعْدَهُ.^{۱۳}

مؤمن پس از مرگ خود از شش خصلت سود می‌برد، فرزند نیکی که برایش آمرزش خواهد، قرآنی که از او بماند و تلاوت شود، چاه آبی که کنده، درختی که کاشته، آبی که وقف کرده، کردار نیکی که رواج داده و پس از مرگش از او پیروی می‌شود.

۲. عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: لَا يُتْبَعُ أَحَدًا مِنَ النَّاسِ بَعْدَ الْمَوْتِ شَيْءٌ إِلَّا صَدَقَةٌ جَارِيَةٌ أَوْ عِلْمٌ صَوَابٌ أَوْ دُعَاءٌ وَكَدٌّ.^{۱۴}

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: چیزی پس از مرگ مردم دستگیرشان نخواهد شد بجز صدقه جاریه یا علم صحیح و درست یا دعاء اولاد.

^{۱۳}. الامالی للصدوق: ج ۱ ص ۳۲۳ ح ۹.

^{۱۴}. دعائم الاسلام: ج ۲ ص ۳۴۰ ح ۱۲۷۸.

۳. عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: الصَّدَقَةُ
وَالْحَبْسُ ذَخِيرَتَانِ فَدَعُوهُمَا لِيَوْمِهِمَا.^{۱۵}

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: صدقه و حبس هر دو
ذخیره‌اند، آنها را برای روز خودشان «روز قیامت»
بگذارید.

۴. عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ
الْأَرْضَ لِلَّهِ جَعَلَهَا وَقْفًا عَلَى عِبَادِهِ.^{۱۶}

همانا زمین از آن خداست، آن را بر بندگانش وقف کرده
است.

احکام:

۱. آیا اجرای صیغه وقف در صحت آن شرط
است؟ و بر فرض شرط بودن، آیا عربی بودن
صیغه، شرط است؟

انشاء لفظی در وقف، شرط نیست، زیرا تحقق آن به
معاطات هم ممکن است و همچنین در انشاء وقف به
لفظ، عربی بودن صیغه آن هم شرط نیست.^{۱۷}

^{۱۵}. مستدرک الوسائل: ج ۱۴ ص ۴۵ ح ۱۶۰۶۸.

^{۱۶}. الکافی: ج ۵ ص ۲۹۷ ح ۱.

۲. وقفنامه ملکی که مربوط به پانصد سال پیش است پیدا شده، آیا اکنون حکم به وقفیت آن ملک می‌شود؟

مجرد سند وقف تا زمانی که موجب اطمینان به درستی مضمون آن نشود، حجت شرعی بر وقفیت نیست، ولی اگر وقف بودن آن ملک بین مردم به خصوص افراد کهنسال شایع باشد، به طوری که مفید علم یا اطمینان به وقفیت آن شود و یا ذوالید به آن اقرار کند و یا احراز شود که در سابق با آن به عنوان وقف رفتار می‌شده، ملک مزبور محکوم به وقفیت است و به هر حال مرور زمان موجب خروج ملک موقوفه از وقفیت نمی‌شود.^{۱۸}

۳. آیا عدول از شروط وقف جایز است؟ و در صورت جواز، حدود آن کدام است؟ و آیا طولانی شدن زمان، بر عمل به شروط وقف تأثیر می‌گذارد؟

^{۱۷}. اجوبه الاستفتاءات: سؤال ۱۹۹۵.

^{۱۸}. اجوبه الاستفتاءات: سؤال ۲۰۶۰.

تخلّف از شروط صحیحی که واقف در عقد وقف شرط کرده جایز نیست مگر آنکه عمل به آن غیر مقدور یا حرجی باشد و گذشت زمان تأثیری در آن ندارد.^{۱۹}

تعریف وقف:

وقف در لغت: «الواو و القاف و الفاء اصلٌ واحدٌ يدُلُّ علی تمكُّثٍ فی شیءٍ»^{۲۰}؛ یعنی ریشه آن «وقف» است. واژه فوق ریشه تک معنایی دارد، بر توقّف در چیزی دلالت می‌کند. یا به عبارتی وقف در لغت: حبس شدن و حبس کردن. متوقّف شدن و متوقّف کردن.^{۲۱} یا به عبارتی، وقف در لغت: «خلاف الجلوس، وقف بالمکان وقفاً»^{۲۲}؛ یعنی خلاف نشستن، وقف به مکان وقف است.

وقف در اصطلاح: حبس و نگهداری چیزی و آزاد کردن چیزی و آزاد کردن منافع آن به رایگان جهت امری می‌باشد.^{۲۳} یا به عبارتی، وقف در اصطلاح، تحبیس اصل مالی و تعبیر منفعت آن بدین معنی که کسی از مال

۱۹. اجوبة الاستفتائات: سؤال ۲۰۷۸.

۲۰. معجم المقاییس فی اللغة: ص ۱۱۰۱.

۲۱. رک: قاموس قرآن: ج ۷، ص ۲۳۶.

۲۲. لسان العرب: ج ۹، ص ۳۵۹.

۲۳. دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی: ج ۲، ص ۲۳۱۷.

خود را از بیع و شراء و هرگونه معامله ناقله متوقف سازد تا منافع آن به افراد خاصی یا به مصالح عامه برسد.^{۲۴}

وقف به زبان ساده عبارت است از این که انسان تمام یا قسمتی از اصل ثروت منقول یا غیر منقول خود را طبق شرایط خاصی از فروش، توارث و... منع کند و جاودان نماید، اما بهره و درآمد آن ثروت را در راه خدا، خدمت به خلق خدا، شخص یا اشخاص معلوم یا عموم مردم، دانشگاه، بیمارستان، مدرسه و... هزینه نماید.^{۲۵}

جایگاه وقف در اسلام:

اسلام به گونه‌ای اساسی و ریشه‌ای تمام نیازهای جامعه و پیروان خود را بررسی کرده و راه‌حلهایی را ارائه داده که ضامن و دربردارنده گسترش عدالت و مساوات است. از جالب‌ترین تعالیم اجتماعی اسلام که بر اساس تعاون و حسّ نوع‌دوستی بنا نهاده شده، مسئله وقف و صدقات جاریه است.

^{۲۴}. معارف و معاریف: ج ۵، ص ۹۴۳.

^{۲۵}. چرا و چگونه وقف کنیم: ص ۱۵۲.

هدف اصلی از وقف، تأمین و تثبیت محل سکونت و منبع ارتزاق و تأمین قسمتی از نیازمندی‌های عمومی و گسترش فرهنگ و تشویق به احداث بناهای علمی، بهداشتی و مذهبی است.^{۲۶}

برداشت اسلام از وقف از برداشت آن از مالکیت و رسالت اجتماعی مال سرچشمه می‌گیرد. مالکیت در نظام اسلامی یک نوع اعتبار و یا حکم شرعی است که شارع آن را مقرر کرده و اختیار تحدید و تنظیم آن در ید با قدرت شارع است. نظریه فوق از مطلب اساسی دیگری سرچشمه می‌گیرد و آن این‌که، در حقیقت مالک اصلی اموال، خداوند متعال است و مردم به عنوان جانشین و خلیفه در اموال تصرف می‌کنند و موظف هستند به رسالت اجتماعی اموال توجه نمایند.^{۲۷}

همه مذاهب فقهی اسلام (حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی، زیدی و ظاهری) وقف را جایز دانسته اند؛ البته برخی از مذاهب اسلامی، وقف را مشروع ندانسته و آن را منافی اصول اسلامی می‌دانند، مگر در خصوص مسجد. این

^{۲۶}. منابع مالی اهل بیت علیهم السلام: ص ۱۰۵.

^{۲۷}. احکام وقف در شریعت اسلام: ص ۱۱۰.

قول نزد مذاهب اسلامی متروک است. مذاهب فقهی اسلامی به طور کلی وقف خانه، زمین، باغ، سلاح، قاطر، لباس و قرآن و نظایر این‌ها را جایز می‌دانند. برخی هم وقف را فقط در اسلحه و اسب و قاطر و الاغ جایز دانسته اند و در غیر این‌ها جایز نشمرده‌اند.^{۲۸}

اصطلاحات مخصوص وقف:

واقف: کسی است که خود در زمان حیات ملکی را وقف کند و یا وصیت نماید که بعد از مرگش دیگری ملکی از وی را وقف کند.

وقفنامه: سندی است که حکایت از وقفیت دارد و در آن نام ملک یا املاک موقوفه و نام واقف و محل و خصوصیات رقبات و چگونگی مصارف آنها و نام متولی و ترتیب تعیین متولیان بعد از متولی اول بیان می‌گردد.

متولی و تولیت: متولی کسی است که بر حسب صفات و مشخصاتی که واقف در وقفنامه ذکر کرده است در هر عصر و زمانی به اداره‌ی امور وقف موافق نظر واقف می‌پردازد. معمولاً حق الزحمه‌ی در وقفنامه برای متولی معین می‌شود که در اغلب وقفنامه‌ها یکی عشر از درآمد

^{۲۸}. نگاهی به وقف و آثار اقتصادی - اجتماعی آن: ۱۳۷۰، ص ۱۴.

موقوفه است. عمل و سمت متولی در اداره موقوفه بنام «تولیت» خوانده می‌شود. معمولاً واقفان تا خود زنده هستند متولی موقوفه نیز می‌باشند. در اکثر وقفنامه‌ها تولیت در اعقاب و فرزندان واقف نسلی پیش از نسل دیگر معین می‌گردد. در پاره‌یی از وقفنامه‌ها نیز از همان آغاز امر بواسطه‌ی این که واقف اولاً نداشته و یا از فرزندان خود ناراضی بوده است تولیت در غیر اولاد و خاندان واقف قرار داده شده است. در بعضی دیگر از موقوفات مهم نیز برای این که کسانی نتوانند بملک موقوفه تجاوز کنند تولیت بسططان وقت تفویض شده است از قبیل قسمت اعظم موقوفات آستان قدس رضوی و موقوفات مدرسه سپهسالار ناصری در تهران.

متولی منصوص: کسی است که در وقفنامه نام او برده شده و یا صفات و مشخصاتی برای متولی ذکر شده که با فرد معینی منطبق گردد از قبیل: ارشد، اکبر، اعلم، اتقی و اورع اولاد یا اعلم علمای محل و یا پیشنماز مسجد جامع و نظایر آنها.

متولی منصوب و یا متصدی: اگر وقفنامه از میان رفته باشد و یا موافق صفاتی که در وقفنامه برای متولی ذکر

شده کسی پیدا نشود در این صورت موقوفه «مجهول التولیه» خوانده می‌شود و کسی که قبل از وضع قانون اوقاف از طرف حاکم شرع معین می‌شد و در زمان قانون از طرف وزارت اوقاف برای اداره‌ی موقوفه انتخاب می‌گردد بنام متولی منصوب یا متصدی خوانده می‌شود.

موقوف علیهم: درآمد هر موقوفه‌ی موافق نظر واقف باید به مصرف اشخاصی از قبیل فقرا، یتام، اولاد واقف، زوار، طالبان علم و غیره یا مؤسسات و اماکنی مانند مدارس، مساجد، حمام‌ها، پل‌ها، آب انبارها، قنوت و نظایر اینها برسد. هر فرد از موارد مصرف را «موقوف علیه» می‌گویند.

وقف عام، وقف خاص: اگر مصارف موقوفه مخصوص دسته و طبقه معینی نباشد آن را وقف عام گویند مانند وقف بر فقرا و بر طلاب و بر مدارس و مساجد و اگر مصرف وقف مختص دسته‌ی معین و خاص باشد آن را وقف خاص می‌گویند مانند وقف بر اولاد یا بر افراد و طبقه مخصوصی از مردم.

ناظر استصوابی و ناظر اطلاعی: غالباً در وقفنامه‌ها غیر از متولی کس دیگری نیز برای مراقبت کارهای متولی بنام «ناظر» معین می‌شود، اگر واقف کارهای متولی را در موقوفه منوط به تصویب و امضای ناظر کرده باشد این گونه ناظر را «ناظر استصوابی» می‌گویند و اگر متولی را ملزم کرده باشند که امور وقف را بنظر و اطلاع ناظر برساند این ناظر را «ناظر اطلاعی» می‌نامند.

رقبات موقوفه: هر فرد واحدی از املاک و مستغلات وقف بنام «رقبه» خوانده می‌شود و جمع آن را «رقبات» می‌گویند.

نکات:

۱. وقتی از مسئول یکی از دانشکده‌های دانشگاه سوربن فرانسه سؤال می‌شود که به چه دلیل در این دانشکده هیئت بپلمیوس که علم امروز اساس آن را برهم زده تدریس می‌شود می‌گوید هزینه‌ی تدریس این موضوع از موقوفه تأمین می‌گردد و اگر آن را تغییر دهیم واقفانی که می‌خواهند موقوفه‌ی آنها پایدار باشد دیگر به این کار رغبت نخواهند کرد و احتمال می‌دهند

که با موقوفه‌ی آنها همین طور عمل شود. بنابراین باید هر رقبه عینا به مصرفی برسد که واقف علاقه‌مند بوده نام او در آن خصوص پاینده بماند مگر اینکه چنان مصرفی حقیقتا متعذر باشد. این امر از لحاظ اجتماعی در گسترش موقوفات که در حل بسیاری از معضلات جامعه مؤثرند نقش فراوانی را به خود اختصاص می‌دهد چرا که نهاد وقف را نیاز به جاودانه ماندن به وجود آورده و استمرار خواهد بخشید.^{۲۹}

۲. امام زمان علیه السلام در قم و کیلی به نام احمد بن اسحاق اشعری قمی داشتند.^{۳۰}

گستره وقف

وقف راهی برای استمرار و جاودانه شدن اعمال آدمی است که خداوند متعال توفیق آن را به بندگان دوران‌دیش خویش اعطا می‌نماید. هر خیر مستمری در دایره شمول این موهبت الهی جای می‌گیرد و انسان می‌تواند هر

^{۲۹}. فصلنامه وقف، میراث جاودان: شماره ۲ ص ۶ - ۸.

^{۳۰}. بحار الانوار: ج ۵۰ ص ۳۲۳ ح ۱۷.

آنچه که رجحان عقلی و شرعی دارد را وقف نماید و نام خود را در دفتر ایجاد کنندگان موقوفات به ثبت رساند و از این چشمه جوشان بهره برد.

آیات:

۱. «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»^{۳۱}؛
نیکی، (تنها) این نیست که (به هنگام نماز،) روی خود را به سوی مشرق و (یا) مغرب کنید (و تمام گفتگوی شما، در باره قبله و تغییر آن باشد و همه وقت خود را مصروف آن سازید) بلکه نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا و روز رستاخیز و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیامبران، ایمان آورده و مال (خود) را، با همه

^{۳۱} بقره: ۱۷۷.

علاقه‌ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان، انفاق می‌کند نماز را برپا می‌دارد و زکات را می‌پردازد و (همچنین) کسانی که به عهد خود- به هنگامی که عهد بستند- وفا می‌کنند و در برابر محرومیتها و بیماریها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می‌دهند اینها کسانی هستند که راست می‌گویند و (گفتارشان با اعتقادشان هماهنگ است) و اینها هستند پرهیزکاران.

۲. «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْعَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»^{۳۲}؛ زکات‌ها مخصوص فقرا و مسکین و کارکنانی است که برای (جمع آوری) آن زحمت می‌کشند، و کسانی که برای جلب محبتشان اقدام می‌شود، و برای (آزادی) بردگان، و (ادای دین) بدهکاران، و در راه (تقویت آیین) خدا، و واماندگان در راه این،

^{۳۲}. التوبة: ۶۰.

یک فریضه (مهم) الهی است و خداوند دانا و حکیم است.

۳. «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»^{۳۳}؛
کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه، یکصد دانه باشد و خداوند آن را برای هر کس بخواهد (و شایستگی داشته باشد)، دو یا چند برابر می‌کند و خدا (از نظر قدرت و رحمت،) وسیع، و (به همه چیز) داناست.

روایات:

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: تَصَدَّقَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِأَمْوَالٍ جَعَلَهَا وَقْفًا وَكَانَ يُنْفِقُ مِنْهَا عَلَى أَضْيَافِهِ.^{۳۴}

^{۳۳}. بقره: ۲۶۱.

^{۳۴}. دعائم الاسلام: ج ۲ ص ۳۴۱ ح ۱۲۸۲.

امام صادق علیه السلام فرمودند: پیامبر اموالی را به عنوان وقف قرار دادند و از درآمد آن بر مهمان‌هایش انفاق می‌کرد.

احکام:

۱. آیا جایز است اداره اوقاف جمهوری اسلامی

متولی وقف را بر کنار کند؟ و در صورتی که

جایز باشد شرایط آن چیست؟

اداره اوقاف به مقداری که مقررات قانونی به او اجازه

می‌دهد حق دارد در وقف‌هایی که متولی خاصی دارند،

دخالت نماید.^{۳۵}

۲. آیا جایز است متولی وقف تولیت خود را به

اداره اوقاف و امور خیریه واگذار نماید؟

متولی وقف حق این کار را ندارد، ولی اشکال ندارد که

اداره اوقاف یا شخص دیگری را برای انجام امور وقف

وکیل کند.^{۳۶}

۳. اگر مسئولین شرکت نفت و سازمان زمین

شهری مقداری از زمین‌های تحت اختیار خود

^{۳۵}. اجوبة الاستفتانات: سؤال ۲۰۲۰.

^{۳۶}. اجوبة الاستفتانات: سؤال ۲۰۲۱.

را برای ساخت مساجد و مدارس علمیه اختصاص بدهند و علاوه بر انشاء صیغه وقف، قبض و اقباض هم صورت بگیرد، آیا این زمین‌ها موقوفه محسوب می‌شوند و احکام وقف بر آنها مترتب می‌گردد؟

اگر این زمین‌ها از اموال عمومی دولت باشند و مصرف خاصی برای آنها تعیین شده باشد قابل وقف نیستند، ولی اگر از اراضی مواتی باشند که ملک کسی نیستند و در اختیار دولت یا شرکت نفت و یا سازمان زمین شهری باشند، احیاء آنها با اجازه مسئولین مربوطه به عنوان مسجد یا مدرسه و مانند آن اشکال ندارد.^{۳۷}

۴. آیا شهرداری حق دارد بعضی از املاک خود را در جهت مصالح عمومی وقف نماید؟

این امر تابع حدود اختیارات قانونی شهرداری و خصوصیت ملک است، بنا بر این اگر از املاکی باشد که شهرداری از نظر قانونی حق دارد آنها را به مصالح عمومی شهر از قبیل درمانگاه یا بیمارستان یا مسجد و یا امور دیگر اختصاص بدهد، در این صورت اشکال

^{۳۷}. اجوبة الاستفتائات: سؤال ۲۰۲۶.

ندارد، ولی اگر از املاکی باشد که مخصوص استفاده برای امور مربوط به شهرداری است، حق ندارد آنها را وقف کند.^{۳۸}

داستان:

پیامبر و واقف:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مردی که در باغ خود مشغول کاشتن نهالی بود برخورد کرد و به او فرمود: آیا تو را به نهالی راهنمایی نکنم که ریشه‌اش محکم‌تر باشد و زودتر به بار نشیند و میوه‌اش خوشمزه‌تر و پاکیزه‌تر باشد؟

عرض کرد: چرا، پدر و مادرم فدایت ای رسول خدا! فرمود: هرگاه صبح و شب خود را آغاز کردی بگو: سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر؛ زیرا اگر این جمله را بگویی، برای هر تسبیحی ده درخت از میوه‌های گوناگون در بهشت خواهی داشت و اینان باقیات الصالحات هستند.

مرد عرض کرد: ای رسول خدا! شاهد باش که من این باغم را وقف مسلمانان تهی‌دست کردم.

^{۳۸}. اجوبة الاستفتائات: سؤال ۲۰۲۷.

در این هنگام خداوند تبارک و تعالی این آیه را نازل فرمود: «فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَ اتَّقَى وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَى فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى»^{۳۹}؛ و اما کسی که عطا کرد و تقوا داشت و [پاداش] نیکوتر را تصدیق کرد، به زودی راه آسانی پیش پای او خواهیم گذاشت.^{۴۰}

نکات:

۱. یکی از بزرگان ایران از راه قوچان عازم مشهد می‌گردد و در میان راه سرمای سخت موجب تلف شدن عده‌ای می‌شود او رقبه‌ای را برای خرید پوستین اختصاص می‌دهد که به زایران میان راه تحویل شود تا از سرما آسیب نبینند. کمک به خانواده‌ی زندانیان، تهیه‌ی سلاح برای مجاهدین، و حتی زیباسازی شهرها از جمله مواردی است که موقوفاتی به آنها اختصاص داشته است.

۲. وقف برای غذای پرندگان: حدود ۳۰۰ سال قبل هم یکی از موقوفات شهر اصفهان که در یک وقفنامه این شهر ثبت شده، زمینی

^{۳۹}. لیل: ۵ - ۷.

^{۴۰}. البرهان فی تفسیر القرآن: ج ۳ ص ۶۳۹ ح ۶۶۸۵.

کشاورزی وجود دارد که وقف غذای پرندگان شده است و طی آن، بایستی هر سال در آن زمین گندم و جو کاشته شود. پس از برداشت محصول و پرداخت حق الزحمه کشاورزان، مابقی گندم و جو برای زمستان انبار شود و در فصل زمستان این گندمها در بیابانهای اطراف اصفهان که محل زندگی و رفت و آمد پرندگان است، پاشیده شود، تا پرندگان گرسنه نمانند.

۳. وقف غذای سگ ها برای نرفتن به حرم: یکی از موقوفات جالب و عجیب در سالهای دور در مشهد مقدس موقوفه هایی برای سگ ها بود. این موقوفات، در واقع محل هایی برای نگهداری سگ ها بوده است. سگ هایی که همراه با کاروان های زائران مشهد مقدس بوده اند و برای حفظ حرمت حرم مطهر امام رضا علیه السلام اجازه ورود به حرم را پیدا نمی کردند. صاحبان این سگ ها به موقوفه هایی که به همین منظور احداث شده بود می رفتند و سگ ها را به آنجا می سپردند تا ضمن نگهداری، خوراک سگ ها نیز تامین شود.

جالب این که از درآمد این اماکن وقفی گوشت و غذا برای سگ‌ها تهیه کرده و برای آنها می‌برده‌اند.

۴. واکس زدن کفش: در میان موقوفات متعدد که در آستان قدس رضوی ثبت شده است نیز موارد جالبی وجود دارد که نشان از ارادت ویژه واقفان به زائران حضرت علی ابن موسی الرضا علیه السلام نیز دارد. از جمله این موقوفات، روستایی است که صاحبش آن را وقف واکس زدن کفش‌های زائران حرم حضرت رضا علیه السلام شده است. همچنین در مشهد موقوفه‌هایی برای تامین کفش زائرانی که کفش‌های آن‌ها گم می‌شود هم وجود دارد.
۵. حمایت از مظلومان: ستم‌دیدگان و افرادی که به نوعی مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند هم از جمله نیت‌های جالب وقف‌کنندگان است. به عنوان مثال موقوفه‌ای وجود دارد که واقف آن نیت کرده درآمد ناچیز آن موقوفه به کسانی اختصاص یابد که ناله مظلوم را به مقامات رسمی برسانند و این موقوفه درآمدش خرج این شود.

آثار و کارکردهای وقف

هر نهالی که آدمی می‌کارد امیدی تازه در دلش جوانه می‌زند و انتظاری بحق در وجودش شکل می‌دهد. وقف نیز آثار و برکات زیادی دارد که در دنیا و آخرت نصیب صاحبش می‌گردد اگر چه مخلصان و تقرب جویان درگاه الهی به امید رضایت معبودشان وقف می‌کنند، ولی هر وقفی آثار وضعی دنیوی و رشد و بالنگی را برای واقفش به همراه می‌آورد و در سرای اخروی نیز یار و مددکارش می‌شود.

آیات:

۱. «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ أَمَلًا»^{۴۱}؛ مال و فرزندان، زینت زندگی دنیاست و باقیات صالحات [ارزشهای پایدار و شایسته] ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امیدبخش‌تر است.
۲. «وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ مَرَدًّا»^{۴۲}؛ (اما) کسانی که در راه هدایت گام نهادند،

^{۴۱}. الکهف: ۴۶.

^{۴۲}. مریم: ۷۶.

خداوند بر هدایتشان می‌افزاید و آثار شایسته‌ای که (از انسان) باقی می‌ماند، ثوابش در پیشگاه پروردگارت بهتر، و عاقبتش خوبتر است.

۳. «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»^{۴۳}؛ زکات‌ها مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای (جمع آوری) آن زحمت می‌کشند، و کسانی که برای جلب محبتشان اقدام می‌شود، و برای (آزادی) بردگان، و (ادای دین) بدهکاران، و در راه (تقویت آیین) خدا، و واماندگان در راه این، یک فریضه (مهم) الهی است و خداوند دانا و حکیم است.

۴. «قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَ مَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذَى وَ اللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ»^{۴۴}؛ گفتار پسندیده (در برابر نیازمندان) و عفو (و گذشت از خشونت‌های

^{۴۳}. التوبة: ۶۰.

^{۴۴}. بقره: ۲۶۳.

آنها)، از بخششی که آزاری به دنبال آن باشد، بهتر است و خداوند، بی‌نیاز و بردبار است.

۵. «إِنَّ الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَ لَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ»^{۴۵}؛ مردان و زنان انفاق کننده، و آنها که (از این راه) به خدا «قرض الحسنه» دهند، (این قرض الحسنه) برای آنان مضاعف می‌شود و پاداش پرارزشی دارند.

۶. «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»^{۴۶}؛ از اموال آنها صدقه‌ای (بعنوان زکات) بگیر، تا بوسیله آن، آنها را پاک سازی و پرورش دهی! و (به هنگام گرفتن زکات،) به آنها دعا کن که دعای تو، مایه آرامش آنهاست و خداوند شنوا و داناست.

۷. «وَ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ»^{۴۷}؛ و هر چیزی را (در راه او) انفاق کنید، عوض آن را می‌دهد (و جای آن را پر می‌کند).

^{۴۵}. حدید: ۱۸.

^{۴۶}. توبه: ۱۰۳.

^{۴۷}. سیأ: ۳۹.

روایات:

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سِتُّ خِصَالٍ يَنْتَفِعُ بِهَا الْمُؤْمِنُ بَعْدَ مَوْتِهِ وَكَدُّ صَالِحٍ يَسْتَغْفِرُ لَهُ وَ مُصْحَفٌ يَقْرَأُ فِيهِ وَ قَلِيبٌ يَحْفَرُهُ وَ غَرْسٌ يَغْرِسُهُ وَ صَدَقَةٌ مَاءٍ يُجْرِيهِ وَ سُنَّةٌ حَسَنَةٌ يُؤْخَذُ بِهَا بَعْدَهُ.^{۴۸}

مؤمن پس از مرگ خود از شش خصلت سود می‌برد: فرزند نیکی که برایش آمرزش خواهد، قرآنی که از او بماند و تلاوت شود، چاه آبی که کنده، درختی که کاشته، آبی که وقف کرده، کردار نیکی که رواج داده و پس از مرگش از او پیروی می‌شود.

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَيْسَ يَتَّبِعُ الرَّجُلَ بَعْدَ مَوْتِهِ مِنَ الْأَجْرِ إِلَّا ثَلَاثُ خِصَالٍ صَدَقَةٌ أَجْرَاهَا فِي حَيَاتِهِ فَهِيَ تَجْرِي بَعْدَ مَوْتِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ صَدَقَةٌ مَوْقُوفَةٌ لَا تُورَثُ أَوْ سُنَّةٌ هَدَى سَنَهَا فَكَانَ يَعْمَلُ بِهَا وَ عَمِلَ مِنْ بَعْدِهِ غَيْرُهُ أَوْ وَكَدُّ صَالِحٍ يَسْتَغْفِرُ لَهُ.^{۴۹}

^{۴۸}. الامالی للصدوق: ج ۱ ص ۳۲۳ ح ۹.

^{۴۹}. الخصال: ج ۱ ص ۱۵۱ ح ۱۸۴.

انسان پس از مرگ خود مزدی دریافت نمی‌کند مگر از سه خصلت: اول صدقه جاریه‌ای که در زندگی خود فراهم کرده و پس از مرگش هم مورد استفاده است (مثل اینکه چاه آبی‌کننده یا پلی ساخته یا کتاب دینی منتشر کرده) و وقفی از خود گذاشته که به ارث نمی‌رود، دوم دستور درستی که بوجود آورده و خود بدان عمل می‌کرده و کسانی که بعد از او هستند بدان عمل کردند، سوم فرزند شایسته‌ای که برای او آمرزش بخواهد.

۳. عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا يَلْحَقُ الرَّجُلَ بَعْدَ مَوْتِهِ فَقَالَ سُنَّةٌ سَنَهَا يُعْمَلُ بِهَا بَعْدَ مَوْتِهِ فَيَكُونُ لَهُ مِثْلُ أَجْرٍ مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْتَقِصَ مِنْ أَجْرِهِمْ شَيْءٌ وَ الصَّدَقَةُ الْجَارِيَةُ تَجْرِي مِنْ بَعْدِهِ وَالْوَلَدُ الصَّالِحُ يَدْعُو لِوَالِدَيْهِ بَعْدَ مَوْتِهِمَا وَ يَحُجُّ وَ يَتَصَدَّقُ عَنْهُمَا وَ يُعْتِقُ وَ يَصُومُ وَ يُصَلِّي عَنْهُمَا فَقُلْتُ أُشْرِكُهُمَا فِي حَجِّي قَالَ نَعَمْ.^{۵۰}

انسان پس از مرگ خود از سه چیز بهره‌مند می‌شود: سنت و روش نیکویی که از خود بر جای بگذارد و بعد از او به آن عمل شود که به اندازه ثواب تمام کسانی که

^{۵۰}. الکافی: ج ۷ ص ۵۷ ح ۴.

به آن عمل می‌کنند در نامه اعمال او نیز نوشته می‌شود، صدقه جاریه‌ای که از خود بر جای بگذارد و فرزند صالحی که برای والدینش دعا کند و بجای آنها حج انجام دهد و برایشان صدقه بدهد و برایشان نماز و روزه انجام دهد.

۴. عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: الصَّدَقَةُ وَالْحَبْسُ ذَخِيرَتَانِ فَدَعُوهُمَا لِيَوْمِهِمَا.^{۵۱}

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: صدقه و حبس هر دو ذخیره‌اند، آنها را برای روز خودشان «روز قیامت» بگذارید.

۵. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ ذَكَرَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ كَانَ عَبْدًا لِلَّهِ قَدْ أُوجِبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ عَمَدًا إِلَى مَالِهِ فَجَعَلَهُ صَدَقَةً مَبْتُوَلَةً تَجْرِي بَعْدَهُ لِلْفُقَرَاءِ وَقَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي جَعَلْتُ هَذَا لِتَصْرِفِ النَّارَ عَنِّي وَجَهِي وَ لِتَصْرِفِ وَجَهِي عَنِ النَّارِ.^{۵۲}

^{۵۱}. مستدرک الوسائل: ج ۱۴ ص ۴۵ ح ۱۶۰۶۸.

^{۵۲}. مستدرک الوسائل: ج ۱۴ ص ۴۶ ح ۱۶۰۶۹.

امام صادق علیه السلام یاد از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام کرد و فرمود: آن حضرت بنده خدا بود. خدا بهشت را بر او واجب ساخت اقدام در مال خود کرد و آنرا صدقه خالص قرار داد که پس از او فقراء از آن بهره‌مند شوند و فرمود: بار الها من این کار را کرده‌ام تا تو آتش از صورتم و صورتم را از آتش برگردانی.

۶. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْضُ الْقِيَامَةِ نَارٌ مَا خَلَا ظِلُّ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّ صَدَقَتَهُ تُظِلُّهُ.^{۵۳}

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: زمین قیامت یکپارچه آتش است به جز سایه مؤمن؛ زیرا صدقه اش بر او سایه می‌افکند.

۷. قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الصَّدَقَةَ لَتَدْفَعُ سَبْعِينَ عِلَّةً مِنْ بَلَايَا الدُّنْيَا مَعَ مِيتَةِ السَّوِّءِ إِنَّ صَاحِبَهَا لَا يَمُوتُ مِيتَةَ سَوْءٍ أَبَدًا.^{۵۴}

^{۵۳}. الكافي: ج ۴ ص ۳ ح ۶.

^{۵۴}. بحارالانوار: ج ۹۳ ص ۱۳۵ ح ۵.

امام باقر علیه السلام فرمودند: صدقه، هفتاد بلا از
بلاهای دنیوی و مردن بد و دل خراش را دفع می‌کند.
صدقه دهنده هرگز به مرگ دل خراش نمی‌میرد.

۸. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ الصَّدَقَةَ
تَزِيدُ صَاحِبَهَا كَثْرَةَ فَتَصَدَّقُوا يَرْحَمَكُمُ اللَّهُ. ۵۵

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: صدقه بر روزی
و دارایی صدقه دهنده می‌افزاید؛ پس، خدایتان رحمت
کند، صدقه بدهید.

احکام:

۱. آیا مالی که برای خرید لوازم به حسینیه‌ها
بخشیده می‌شود، حکم وقف را دارد یا آنکه
لوازمی که با آن مال خریداری می‌گردند
احتیاج به اجرای صیغه وقف دارند؟

مجرد جمع‌آوری مال، وقف محسوب نمی‌شود، ولی بعد
از خریدن لوازم حسینیه با آن اموال و قرارداد آنها در

۵۵. الکافی: ج ۲ ص ۱۲۱ ح ۱.

حسینیه برای استفاده، وقف معاطاتی محقق می‌شود و نیازی به اجرای صیغه وقف ندارد.^{۵۶}

۲. بعضی از زمین‌های وقفی در مسیر طرح‌های توسعه و احداث خیابان‌ها و پارک‌های ملی و ساختمان‌های دولتی قرار می‌گیرند و بدون اجازه متولی شرعی و بدون پرداخت اجاره و پول آنها، توسط بعضی از مؤسسات و اداره‌های دولتی صادره می‌شوند، آیا انجام این کار برای آنان جایز است؟ آیا کسی که در این زمین‌های موقوفه تصرف می‌کند باید عوض یا قیمت آنها را بپردازد؟ و آیا باید اجرت‌المثل تصرفاتش را از هنگام تصرف بپردازد؟ و آیا در پرداخت قیمت موقوفه و یا دادن عین دیگری به جای آن توسط مؤسسات و ادارات، اذن گرفتن از حاکم شرع واجب است یا این که جایز است اداره اوقاف یا متولی وقف با رعایت مصلحت و نفع وقف با آنان در مورد عوض یا قیمت آن توافق نماید؟

^{۵۶}. اجوبة الاستفتائات: سؤال ۱۹۹۸.

جایز نیست کسی بدون اذن و اجازه متولی شرعی در وقف تصرف کند، همان‌گونه که اگر وقف از قبیل وقف منفعت باشد، تصرف در آن هم فقط بعد از اجاره کردن آن از متولی جایز است. همچنین فروش و تبدیل وقفی که قابلیت انتفاع در جهت وقف را دارد، جایز نیست و اگر شخصی آن را تلف کند ضامن آن است و اگر بدون اجازه متولی شرعی، در آن تصرف نماید، ضامن اجرت‌المثل آن است و باید آن را به متولی شرعی وقف بپردازد تا در جهت وقف مصرف نماید و در این رابطه فرقی بین اشخاص و مؤسسات و اداره‌های دولتی نیست و جایز است متولی وقف، بدون مراجعه به حاکم با متصرف یا تلف‌کننده با رعایت مصلحت وقف، در مورد اجرت یا عوض آن توافق نماید.^{۵۷}

وقف، آثار و کارکردهای فراوانی در جامعه دارد.

کارکرد فرهنگی وقف: ابعاد آموزشی و فرهنگی وقف در جوامع اسلامی بسیار گسترده است. وقف به عنوان یک منبع مستمر مالی مراکز علمی پشتوانه‌ی مردمی داشته است و چه بسیار مدارس و مراکز علمی در جهان اسلام

^{۵۷}. اجوبة الاستفتائات: سؤال ۲۰۳۹.

که از طریق وقف ایجاد و گسترش یافته‌اند و بسیاری از عالمان بزرگ با استفاده از درآمدهای اوقاف توانسته‌اند به مدارج عالی علمی برسند. وقف پاسدار نشر معارف اسلامی است. استفاده از درآمدهای وقف برای ساخت مساجد، دانشگاه‌ها، خوابگاه‌های دانشجویی، تأسیس کتابخانه‌های عمومی، برگزاری کنگره‌ی جهانی حج، مجالس عزاداری ائمه علیهم السلام، مسابقات قرائت قرآن کریم در سطح بین‌المللی، و... از کارکردهای فرهنگی و آموزشی وقف می‌باشد.^{۵۸}

اولین و مهمترین کارکرد وقف در جامعه اسلامی از گذشته‌های دور تاکنون کارکرد آموزشی و فرهنگی است. ابعاد آموزشی و فرهنگی وقف در جوامع اسلامی بسیار گسترده است. وقف به عنوان یک منبع مستمر مالی مراکز علمی پشتیبان‌های مردمی داشته است و چه بسیار مدارس و مراکز علمی در جهان اسلام از طریق وقف ایجاد و گسترش یافته‌اند و بسیاری از عالمان بزرگ با استفاده از درآمدهای اوقاف توانسته‌اند به مدارج عالی علمی برسند. از طریق تقویت مالی مدارس اسلامی

^{۵۸}. فصلنامه وقف، میراث جاودان: شماره ۳.

توسط وقف، این مدارس توانستند در فرهنگ نظام تعلیم و تربیت اروپا تأثیر بگذارند.

وقف پاسدار نشر معارف اسلامی است. استفاده از درآمدهای وقف برای ساخت مساجد، دانشگاه‌ها، خوابگاه‌های دانشجویی، تأسیس کتابخانه‌های عمومی، برگزاری کنگره‌ی جهانی حج، مجالس عزاداری ائمه علیهم السلام، مسابقات قرائت قرآن کریم در سطح بین‌المللی، و... از کارکردهای فرهنگی و آموزشی وقف می‌باشد. از طریق وقف مسلمانان توانسته‌اند از طریق مدارس دینی موقوفه بهترین شاهکارهای خود را به جهانیان معرفی نمایند و علم و دانش آنها از طریق اوقاف گسترش و رواج یافته است.

کارکرد اجتماعی وقف: در بعد اجتماعی وقف همچون چتری بزرگ سایه خود را بر سر تمام نیازمندان و محرومان می‌گستراند و جامعه را از فقر که عامل بسیاری از مفاسد اجتماعی، اخلاقی و سستی در ارکان دینی است، نجات می‌دهد و امکان همزیستی مسالمت‌آمیز را در محیطی مملو از اخوت و حسن ظن،

که زمینه‌ساز پیشرفت و تعالی جامعه خواهد شد فراهم می‌کند.

بسیاری از خدمات اجتماعی در گذشته از طریق موقوفات ارائه می‌شده است؛ کاروانسراها، دارالایتام و... اماکنی بودند که به شدت مورد نیاز جامعه سنتی بوده و واقفان با عنایت به این دسته از نیازهای اجتماعی اقدام به عمل وقف می‌کرده‌اند، حمایت از گروه‌های اجتماعی مانند مسافران، فقرا، کمک به ازدواج افراد بی‌بضاعت، ایجاد مراکز بهداشتی و درمانی، تأسیس پرورشگاه‌های کودکان بی‌سرپرست، ایجاد مجتمع تربیتی در مناطق محروم کشور و... از مهمترین کارکردهای اجتماعی وقف در جامعه است.

کارکرد اقتصادی وقف: در میان افراط و تفریط‌های نظام سرمایه‌داری و کمونیستی، اسلام که دین عدالت و اعتدال است، نظام اقتصادی برتری از جانب خداوند و مطابق فطرت و طبیعت بشر آورده است که نه ظلم و بی‌عدالتی رژیم سرمایه‌داری در آن دیده می‌شود و نه دیکتاتوری رژیم مارکسیستی. اسلام به جای توسل به زور و دیکتاتوری اقتصاد را با عبادت و سیاست پیوند

داده است و با تربیت بسیار مؤثر خود، محیطی اسلامی می‌سازد که برخلاف محیط‌های مادی که تکاثر و اتراف ملاک برتری است و همه سعی می‌کنند همه چیز را در انحصار خود درآورند، در محیط اسلام سادگی و غیرخواهی و ایثار و تعمیم ثروت‌های اضافی شخصی از راه وقف، حبس، هبه و... نه تنها ملاک برتری است بلکه عبادت بزرگ محسوب می‌شود. از سوی دیگر، سیاست اسلام بر کنترل تعدیل و حفاظت ثروت جامعه است. به این ترتیب، تمام راه‌هایی که منجر به سرمایه‌داری بدون کار می‌شود، همه را کنترل کرده است و با گرفتن خمس و زکات و تشویق افراد به وقف و... از ثروتمندان و تقویت افراد ضعیف در برابر آنها، فاصله را بسیار کم کرده، در جامعه تعدیل ایجاد می‌کند. بر این اساس، وقف در جامعه‌ی اسلامی ثروت‌های جامعه را تعدیل می‌کند.

مکتب‌رهای بخش اسلام برای نجات انسان از ناامیدی‌ها و بی‌تفاوتی‌ها و به ویژه رفع تبعیض‌های گوناگون و استقرار نظام متعالی بر پایه‌ی قسط و عدل در جامعه‌ی بشری پدیده‌ی شگرف وقف را ارایه نموده است. اسلام از طریق وقف توانسته است اختلاف طبقاتی

جامعه را از بین برده و راهی برای تأمین زندگی
نیازمندان پیشنهاد نماید.

به لحاظ کارکردهای مثبت اقتصادی وقف در جامعه،
اسلام آن را در ردیف ایمان به خدا و رسول و روز
قیامت قرار داده است. به طوری کلی، ماهیت اوقاف
جنبه‌ی اقتصادی دارد. وقف در حل مشکلات اقتصادی
جامعه می‌تواند بسیار مؤثر باشد به طوری که به عنوان
پشتوانه قوی مالی برای دولت تلقی می‌شود. استفاده از
درآمد اوقاف جهت ایجاد راه‌ها، ابنیه‌های عمومی،
احداث پل، ساخت کارخانجات تولیدی برای جذب
جوانان بیکار، اطعام مساکین، تهیه مسکن ارزان قیمت
برای جوانان، سرمایه‌گذاری در طرح‌های عمرانی،
صنعتی و کشاورزی، کاهش قیمت‌ها و افزایش تولید و...
بسیار مهم می‌باشد. بنابراین، وقف از نظر اقتصادی تأثیر
بسیار زیادی بر رشد و پیشرفت جامعه می‌گذارد.

داستان:

فرزند صالح، صدقه جاریه:

رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: حضرت مسیح بر
قبری گذر کرد که صاحب آن مُعَذَّب بود، سال بعد از

کنار همان قبر گذشت و صاحب قبر را معذب نیافت، از پیشگاه الهی درخواست نمود که او را از علت تغییر وضع آگاه سازد. خداوند به حضرت مسیح وحی فرستاد که صاحب قبر، فرزند صالحی از خود به جای گذارده بود او در این فاصله بالغ شد و به دو کار خیر دست زد. یکی آن که راهی را برای عبور مردم اصلاح نموده و دیگر این که یتیمی را مسکن و مأوی داد و من گناه این پدر را به احترام عمل فرزند نیکوکارش بخشیدم.^{۵۹}

تلقین بیمار:

در لبنان موقوفاتی است که از عواید آن هر روز دو نفر بر بالین بیماران در بیمارستان‌ها حاضر می‌شوند و در مورد بهبود بیمار نسبت به روز گذشته با هم نجوا می‌کنند تا بیمار با شنیدن سخنان تلقین کننده آنها احساس بهبودی نماید. در بیمارستان سلطان قلاوون در قاهره نیز که بخشی از هزینه‌های آن از موقوفات است گروه نمایی با اجرای نمایش‌های طنز موجبات نشاط بیماران را فراهم می‌آورد. اختصاص ده درصد بیمارستان‌های بخش عمومی به بیمارستان‌های موقوفه

^{۵۹}. الکافی: ج ۶ ص ۳ ح ۱۲.

در کشور ما نیز از وسعت موقوفات در این زمینه حکایت دارد.

ضرب المثل:

۱. دنیا طلبان ز آخرت محرومند.
۲. خواهی متمتع شوی از نعمت دنیا با خلق کرم کن که خدا با تو کرم کرد.
۳. بخل، عیبی است که صد فضل پوشاند و جود کیمیایی است که صد عیب هنر گرداند.
۴. بنوش و پیوش و ببخش و بده
برای دگر روز، چیزی بنه.

نکات:

۱. وقف های خوراکی: یکی از جالب ترین وقف ها در استان فارس وجود دارد. مطابق اسناد، در یکی از شهرهای استان فارس باغ های اصطهبانات (پسته و بادام) وقفی شده که مغز بادام و مغز گردو به بچه هایی که مسجد می آیند، می دهند و با این وقف مسجد را پر از جوان می کنند.

۲. وقف برای سرگرمی کودکان: در سال ۱۳۴۶ در تهران وقفی ثبت شده که واقفان آن به نام‌های «سکینه شبیر» و «ربابه شبیر» عوائد موقوفه را صرف کمک و مساعدت به کودکانی که فاقد وسائل تفریح و سرگرمی هستند، جهت حفظ نشاط و سرگرمی آنها و جلوگیری از مفاسد اخلاقی صرف می‌کنند.

۳. وقف برای حمایت از حیوانات: در زمان گذشته چون مانند امروز یخچال و امکانات برودتی برای نگهداری گوشت نبوده است مردم به صورت روزانه یا هفته‌ای گوشت مصرفی خانواده را خریداری و آن را تا زمان پخت و مصرف در جاهایی از منزل برای در امان ماندن از دستبرد گربه نگهداری می‌کردند و در مواردی با دستبرد گربه‌ها صاحبخانه شرمنده اهل و عیال می‌شد.

۴. به دلیل این که آن سال‌ها گوشت هم در ردیف خوراکی‌های گران‌قیمت بود و گاه افراد باید حقوق یک روز کارگری را بابت خرید یک کیلو گوشت پرداخت می‌کردند با سرقت شدن

گوشت توسط گربه دست به آزار گربه‌ها می‌زدند. فردی دلسوز در آن سال‌ها که هنوز خبری از انجمن حمایت از حیوانات و دوستداران طبیعت نبود، برای نجات دادن گربه‌ها از دست آزار و اذیت مردم در یک ابتکار منحصر به فرد اقدام به وقف یک قطعه زمین می‌کند تا در آن کشت و کار شود و عواید آن صرف جبران هزینه خرید گوشت افراد شود و کسی به گربه‌های سارق گوشت آسیبی نرساند.

۵. وقف مضاربه بی ضرر با خداست: اینهایی که

مضاربه می‌کنند، پول می‌دهند ممکن است

سرمایه شان از بین برود. ولی کسی که با خدا

مضاربه می‌کند ضرری در آن نیست، وقف

یعنی مضاربه با خدا. مضاربه با خدا شکست

ندارد. چون «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ» به بهشت می

خرد.^{۶۰}

۶. وقف سیمکارت رند برای امامزاده: اداره اوقاف

شهرستان داراب، فروردین ماه امسال یک وقف

عجیب را ثبت کرده است. طبق این وقف،

^{۶۰} ر.ک: مضاربه با خدا: ص ۲۲.

شخصی به نام «خلیل مرعشی» یک فقره سیم-
کارت با شماره رند را وقف آستان مقدس سید
علاالدین حسین(ع) پیرمراد داراب کرد. شماره
این سیم کارت ۰۹۱۷۷۳۲۱۰۰۰ است و حالا
وقف امامزاده این شهر شده است.

وقف در سیره معصومان

پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و دیگر پیشوایان دین
تاکید بسیاری بر گسترش سنت حسنه وقف داشته‌اند به
طوری که در بسیاری از کتب حدیثی و تاریخی شیعه و
سنی به این موضوع اشاره شده است. بدون شک
پاسداشت و ادامه راه اوصیاء، حفظ و صیانت از مقوله
وقف از اموری است که مسئولیتی بس سنگین را بر
دوش ادامه دهندگان و شیعیان معصومین علیهم السلام
قرار می‌دهد که با استمرار از الطاف الهی و ذوات مطهر
ائم معصومین علیهم السلام می‌بایست مسئله وقف به
یک مطالبه عمومی برای دین‌داران تبدیل شود.

آیات:

۱. «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ
فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَ

كأَنوَا لَنَا عَابِدِينَ»^{۶۱}؛ و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما، (مردم را) هدایت می‌کردند و انجام کارهای نیک و برپاداشتن نماز و ادای زکات را به آنها وحی کردیم و تنها ما را عبادت می‌کردند.

۲. «وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَى، فَسَنِيَّ لَهُ لَلْإِسْرَى»^{۶۲}؛ و جزای نیک (الهی) را تصدیق کند، ما او را در مسیر آسانی قرار می‌دهیم.

در این آیه از عطا و بخشش سخن به میان آمده بدون این که به مورد بخشش اشاره شود؛ چون اصل، بخشندگی و بخشش است هر چه که می‌خواهد باشد؛ خواه مالی و خواه آبرویی و خواه بدنی باشد^{۶۳}.

برخی گفته‌اند: «اعطی» به عبادات مالی، و «اتقی» به سایر عبادات و انجام واجبات و ترک محرمات اشاره دارد؛ اما بهتر آن است که بگوییم: منظور از «اعطی» همان انفاق در راه خدا و کمک به نیازمندان و تقوا اشاره

^{۶۱}. انبیا: ۷۳.

^{۶۲}. لیل: ۶ و ۷.

^{۶۳}. تفسیر نمونه: ج ۲۷ ص ۳۳.

است به این که هنگام انفاق و بخشش و تهیّه ی اموال از طریق مشروع و انفاق آن منت و آزاری در کار نباشد.

مرحوم علامه طباطبایی در این باره گفته: با توجه به این که آیات پس از این آیه بخل را نکوهش می کنند، منظور از «اعطی» بخشش مال است برای رضای خدا و «اتقی» نشان می دهد که انفاق باید در راه تقوای دینی باشد.^{۶۴}

در تفسیرمجمع البیان از امام باقر علیه السلام در این باره نقل شده که فرموده است: «اعطی مما آتاه الله» یعنی از آن چه که خداوند داده، بدهد و ببخشد. از سویی، لفظ «عطاء» به معنای مطلق دادن است که بخشیدن را شامل می شود؛ بنابراین، هر که حقوق واجب اموالش را پردازد و هر که مالی در راه خیر بدهد و کسی که برای خداوند گامی بردارد یا سخنی بگوید و از مقام و آبرو یا دانش و هنرش به نفع بندگان خدا استفاده کند، عموماً مشمول این آیه و داخل در «من اعطی» است.^{۶۵}

^{۶۴}. المیزان: ج ۲۰: ص ۳۳

^{۶۵}. ترجمه مجمع البیان: ج ۲۷ ص ۱۲۹.

این که مفعول اعطی ذکر نشده؛ یعنی آن چه که بخشش می شود بیان نشده به منظور گسترش مفهوم اعطی است که موارد بسیاری را شامل شود؛ بدین جهت در معانی و بیان گفته شده: یکی از انگیزه های حذف مفعول به تعلیم گسترش مفهوم است.

بر این اساس، بدیهی است یکی از عناوینی که می تواند تحت واژه اعطی قرار بگیرد، وقف است؛ چون وقف هم یک نوع اعطا و بخشش مال در راه خداست و از همین روی در کتاب میزان الحکمه در مبحث وقف، آیه ی مزبور راجع به وقف دانسته شده و از طریق روایات به تفسیر آن اقدام شده است.

۳. «إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا»^{۶۶}؛ (و می گویند:) ما شما را بخاطر خدا اطعام می کنیم، و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم.

^{۶۶}. انسان: ۹.

روایات:

۱. عَنْ مِهْرَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوْصَى أَنْ يُنَاحَ عَلَيْهِ سَبْعَةَ مَوَاسِمٍ فَأَوْقَفَ لِكُلِّ مَوْسِمٍ مَالًا يُنْفَقُ فِيهِ.^{۶۷}

محمد بن مهران می‌گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که وصیت فرمود در هفت موسم پس از ایشان برایش نوحه و سوگواری شود و برای هر موسمی مالی مقرر فرمود که خرج کنند.

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: تَصَدَّقَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِدَارٍ لَهُ بِالْمَدِينَةِ فِي بَنِي زُرَيْقٍ فَكَتَبَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا مَا تَصَدَّقَ بِهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَهُوَ حَىُّ سَوِيٌّ تَصَدَّقَ بِدَارِهِ الَّتِي فِي بَنِي زُرَيْقٍ صَدَقَةً لَا تُبَاعُ وَلَا تُوهَبُ حَتَّى يَرِثَهَا اللَّهُ الَّذِي يَرِثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَاسْكُنَ هَذِهِ الصَّدَقَةَ خَالَاتِهِ مَا عِشْنَا وَعَاشَ عَقِبُهُنَّ فَإِذَا انْقَرَضُوا فَهِيَ لِذَوِي الْحَاجَةِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ.^{۶۸}

^{۶۷} من لا يحضره الفقيه: ج ۴ ص ۲۴۴ ح ۵۵۷۸.

^{۶۸} تهذيب الاحكام: ج ۹ ص ۱۳۱ ح ۷.

امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام خانه‌ای را که در مدینه منوره در قبیله رزیق داشت صدقه کرد و نوشت: بنام بخشاینده مهربان این صدقه علی بن ابی طالب علیه السلام خانه‌ای که در قبیله رزیق داشته صدقه کرد که فروخته و هبه نشود تا زمانی که خدا وارث آسمان‌ها و زمین می‌شود «روز قیامت» و در این خانه صدقه خاله‌های خود را سکونت داد که تا زنده‌اند در آنجا زندگی کنند و اعقاب آنان نیز در آنجا ساکن شوند و در صورت انقراض آن خانه برای مسلمانان نیازمند باشد و خدا گواه است.

۳. عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي الْحَسَنِ الثَّانِي عَلَيْهِ
السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْحَيْطَانِ السَّبْعَةِ الَّتِي
كَانَتْ مِيرَاثَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَقَالَ لَا إِنَّمَا كَانَتْ وَقْفًا وَ
كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَأْخُذُ إِلَيْهِ
مِنْهَا مَا يُنْفِقُ عَلَى أَضْيَافِهِ وَ التَّابِعَةِ يَلْزَمُهُ فِيهَا
فَلَمَّا قُبِضَ جَاءَ الْعَبَّاسُ يُخَاصِمُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا
السَّلَامُ فِيهَا فَشَهِدَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ غَيْرُهُ أَنَّهَا
وَقْفٌ عَلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ هِيَ الدَّلَالُ وَ

الْعَوَافُ وَالْحَسَنَى وَالصَّافِيَةَ وَمَا لِأُمَّ إِبْرَاهِيمَ وَ
الْمِيثَبُ وَالْبُرْقَةُ.^{۶۹}

بزنطی می‌گوید: از امام رضا علیه السلام سؤال شد درباره هفت بوستان که از رسول خدا صلی الله علیه و آله ارث وقف بود و رسول الله صلی الله علیه و آله از آن می‌گرفت و خرج مهمانان خود می‌فرمود و برای مصیبت زدگان از آن حقی می‌گذاشت. زمانی که حضرت رحلت کرد عباس با حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نزاع کرد. امیرالمؤمنین علیه السلام شهادت دادند که وقف است و آن هفت بوستان: دلال و عواف و صافیة و بوستان مادر ابراهیم و برقه بود.

۴. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: قَسَمَ نَبِيُّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْفَيْءَ فَأَصَابَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَرْضًا فَاحْتَفَرَ فِيهَا عَيْنًا فَخَرَجَ مَاءٌ يَنْبُعُ فِي السَّمَاءِ كَهَيْئَةِ عُنُقِ الْبَعِيرِ فَسَمَّاهَا يَنْبُعُ فَجَاءَ الْبَشِيرُ يُبَشِّرُ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بَشْرُ الْوَارِثِ هِيَ صَدَقَةٌ بَتَّةٌ بَتْلًا فِي حَجِيجِ بَيْتِ اللَّهِ وَ عَابِرِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُبَاعُ وَ لَا تُوهَبُ وَ لَا تُورَثُ فَمَنْ بَاعَهَا أَوْ وَهَبَهَا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ

^{۶۹}. الكافي: ج ۷ ص ۴۷ ح ۱.

النَّاسِ أَجْمَعِينَ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهُ صَرَفًا وَلَا
عَدْلًا.^{۷۰}

در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله مسلمانان برای سرکوبی کفار حرکت کردند. کافران بدون جنگ تسلیم شدند و در نتیجه اراضی و اموالی از آن ها که در اصطلاح فیه گفته می شد به دست مسلمین افتاد. امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله آن فیه را بین مسلمانان تقسیم کرد. یک قطعه از آن سهم تقسیم شده سهم حضرت علی علیه السلام شد. آن حضرت در آن زمین چاهی حفر کرد تا به آب رسید به حدی که آب آن چاه به اندازه گردن شتر فوران می کرد. امام علی علیه السلام آن چشمه را به نام عین ینبع (چشمه جوشان) نامید. شخصی به حضور علی علیه السلام آمد و در این مورد به او بشارت داد و تبریک گفت. امام علی علیه السلام فرمود: به وراثت مژده و خبر بده، این چشمه فقط وقف گردیده تا در آمد آن در راه تأمین معاش و مخارج زائران خانه کعبه و مسافران در راه خدا به مصرف برسد. فروختن و بخشیدن و به ارث بردن آن جایز نیست. کسی که آن را بفروشد یا ببخشد لعنت خدا و فرشتگان و همه انسان ها بر او باد.

^{۷۰}. الکافی: ج ۷ ص ۵۴ ح ۹.

۵. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ ذَكَرَ أَمِيرَ
 الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ كَانَ عَبْدًا لِلَّهِ قَدْ
 أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ عَمَدًا إِلَى مَالِهِ فَجَعَلَهُ صَدَقَةً
 مَبْتُوَلَةً تَجْرِي بَعْدَهُ لِلْفُقَرَاءِ وَ قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي
 جَعَلْتُ هَذَا لِتَصْرِفِ النَّارَ عَنِّي وَجْهِي وَ لِتَصْرِفِ
 وَجْهِي عَنِ النَّارِ.^{۷۱}

امام صادق علیه السلام یاد از امیرالمؤمنین علی بن
 ابی طالب علیه السلام کرد و فرمود: آن حضرت بنده خدا
 بود. خدا بهشت را بر او واجب ساخت اقدام در مال
 خود کرد و آنرا صدقه خالص قرار داد که پس از او
 فقراء از آن بهره‌مند شوند و فرمود: بار الها من این کار
 را کرده‌ام تا تو آتش از صورتم و صورتم را از آتش
 برگردانی.

۶. عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: تَصَدَّقَ
 رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِأَمْوَالٍ جَعَلَهَا وَقْفًا وَ كَانَ يُنْفِقُ
 مِنْهَا عَلَى أَضْيَافِهِ.^{۷۲}

^{۷۱}. مستدرک الوسائل: ج ۱۴ ص ۴۶ ح ۱۶۰۶۹.

^{۷۲}. دعائم الاسلام: ج ۲ ص ۳۴۱ ح ۱۲۸۲.

امام صادق علیه السلام فرمودند: پیامبر اموالی را به عنوان وقف قرار دادند و از درآمد آن بر مهمان‌هایش انفاق می‌کرد.

۷. رُوِيَ: أَنَّ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامَ اشْتَرَى النَّوَاحِيَ
الَّتِي فِيهَا قَبْرُهُ مِنْ أَهْلِ نَيْنَوَى وَالْغَاضِرِيَّةِ بِسِتِّينَ
أَلْفِ دِرْهَمٍ وَ تَصَدَّقَ بِهَا عَلَيْهِمْ وَ شَرَطَ أَنْ
يُرْشِدُوا إِلَى قَبْرِهِ وَيُضَيِّفُوا مَنْ زَارَهُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ.^{۷۳}

روایت شده که امام حسین علیه السلام اطراف قبر خودشان را از اهل نینوا و غاضریه به شصت هزار درهم خریدند و به آنها بخشیدند به شرط اینکه زائرینش را به قبرش راهنمایی کنند و تا سه روز از زائرینش پذیرائی کنند.

احکام:

زمینی برای دفن اموات وقف شده است و در وسط آن ضریح یکی از فرزندان ائمه علیهم السلام قرار دارد و در این اواخر اجساد تعدادی از شهدای عزیز در آن قبرستان دفن شده است، با توجه به نبود زمین مناسبی

۷۳. مستدرک الوسائل: ج ۱۰ ص ۳۲۱ ح ۱۲۰۹۲.

برای بازی‌های ورزشی جوانان، آیا جایز است با مراعات آداب اسلامی، در داخل قبرستان بازی کنند؟
تبدیل قبرستان به مکان بازیهای ورزشی و تصرف در زمین موقوفه در غیر جهت وقف جایز نیست و همچنین هتک حرمت قبور مسلمانان و شهدای عزیز هم جایز نیست.^{۷۴}

وقف در سیره پیامبر و اهل بیت علیهم السلام:

رفتار و شیوه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به صورت قول یا فعل، در رواج و گسترش وقف در جامعه‌ی اسلامی دارای اهمیت فراوانی است. به موجب تأکیدی که آن حضرت بر مسأله وقف و نتایج مثبت آن در جامعه داشتند، بسیاری از مؤمنین سعی می‌کردند بخشی از امکانات مالی خود را وقف امور خیریه کنند.

پیامبر صلی الله علیه و آله با نگاه ارزشی به وقف، عمل به وقف را در میان مسلمانان به صورت یک سنت نبوی حسنه رایج کرد. از واقدی نقل شده اولین صدقه در اسلام وقفی بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود و آن چنان بود که مُخیرِیق یهودی که از احبار و

^{۷۴}. اجوبة الاستفتائات: سؤال ۲۱۰۳.

علمای بزرگ یهود مدینه بود، بعد از مسلمان شدن به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ احد شرکت جست؛ مخیریق مردی ثروتمند با باغات نخل بسیار بود.^{۷۵} او به هنگام جنگ احد، وصیت کرده بود که اگر کشته شدم تمام اموال من از آن رسول-خدا صلی الله علیه و آله خواهد بود که به هر طریق که خداوند به او نشان دهد مصرف نماید.

مخیریق در جریان غزوه احد به شهادت رسید و طبق وصیتش اموال او که شامل نخلستان-های هفتگانه اعواف، صافیه، دلال، میثب (منبت - میثم)، بُرقه، حُسنی، مشربه ام ابراهیم بود به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید.^{۷۶} رسول خدا صلی الله علیه و آله این اموال را در سال هفتم هجری وقف نمودند.^{۷۷} گفته شده موقوفات رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه

^{۷۵}. السیرة النبویة: ج ۱، ص ۵۱۸.

^{۷۶}. المغازی: ج ۱، ص ۳۷۸؛ الیاقوت: ج ۵، ص ۲۴۱.

^{۷۷}. وفاء الوفاء: ج ۳، ص ۱۵۲.

عموماً از همین اموال مخیرق بود.^{۷۸} و عایدات آن را برای بنی هاشم و بنی مطلب قرار داد.^{۷۹}

چاه «أعواف» نیز یکی دیگر از موقوفات پیامبر بود. این چاه که با وضوی رسول-خداصلی الله علیه و آله متبرک شده بود، سال-ها جریان داشت.^{۸۰}

بلاذری از قول عده‌ای از بنی حارث بن عبدالمطلب خبر داده است که باغ «الحدیقه» نیز از دیگر موقوفات پیامبر است.^{۸۱}

عمل به وقف در رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله بر صحابه او تأثیر گذاشت به طوری که زبیر از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله خانه خود در مکه و مصر را وقف کرد. عبدالله بن عمر سهم خود را از خانه پدری وقف نیازمندان نمود. سعد بن عباده باغ معروف خود «مخرف» را از طرف مادرش صدقه کرد. عثمان و طلحه خانه‌های خود را وقف کردند و عبدالله بن عباس

^{۷۸}. مغازی، ج ۱، ص ۳۷۸

^{۷۹}. کلینی؛ اصول کافی، تهران، دار الکتب العلمیه، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۴۸

^{۸۰}. وفاء الوفاء، پیشین، ج ۳، ص ۱۲۴.

^{۸۱}. انساب الاشراف، پیشین، ج ۱، ص ۵۱۹.

املاک خود را در صهوه وقف نمود.^{۸۲} ابوظلحه توانگرترین انصار بود و از همه اموال خود باغ بیرحاء را که سمت قبله مسجد نبوی قرار داشت، بیشتر دوست می‌داشت. پیغمبر صلی الله علیه و آله گاه داخل این باغ می‌شد و از آب گوارای چاه آن می‌نوشید. انس بن مالک - خادم حضرت - می‌گوید: وقتی آیه ۹۲ آل عمران نازل شد:

«لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ»؛ شما هرگز بمقام نیکوکاران و درجات عالیه بهشت نخواهید رسید؛ مگر آنکه از آنچه دوست می‌دارید در راه خدا انفاق کنید که همانا خدا بر آنچه انفاق می‌کنید، آگاهست.

ابوظلحه برخاست و گفت: یا رسول الله محبوب‌ترین اموال من «بیرحاء» است و آن را در راه خدا صدقه می‌دهم و امیدوارم ثواب آن ذخیره آخرتم باشد آن را در هر مصرفی که خدا تو را بدان راه نماید قرار ده. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: آنچه گفתי شنیدم؛ چه مال سودمندی؛ نظر من آن است که آن را وقف نزدیکان

^{۸۲}. نگاهی به آثار اقتصادی و اجتماعی وقف: ص ۶۵ - ۶۸.

خود قرار دهی. ابوطلحه گفت: یا رسول الله همین کار را می‌کنم پس آن را میان پسر عموها و نزدیکان خود تقسیم کرد.^{۸۳}

واقدی نقل کرده که چاه «رومه» از آن مردی از قبیله مزینه بود که در قبال دریافت پول به مردم آب می‌داد. روزی پیامبر صلی الله علیه و آله به آن چاه نظر افکند و فرمود: «چه صدقه و وقف خوبی است اگر مسلمانی این چاه را از این مرد بخرد و بر مسلمانان وقف کند.» عثمان بن عفان آن را به چهارصد دینار از آن مرد خرید و آن را وقف کرد.

همچنین نقل می‌کند زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ غابه به کنار چاه «هم» رسید، مسلمانان گفتند: «ای رسول خدا آیا این چاه را مصادره نمی‌کنید؟» فرمودند: «خیر ولی یک نفر این چاه را بخرد و بهای آن را صدقه دهد» طلحه بن عبیدالله آن را خرید و وقف کرد.^{۸۴}

^{۸۳}. صحیح البخاری: ج ۵، ص ۲۰۰.

^{۸۴}. المغازی: ج ۲، ص ۵۴۷.

بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ائمه معصومین
علیهم السلام، الگوها و نمونه‌های عینی تحقق اسلام
هستند و رفتار و گفتار آنان تعیین کننده رفتار و فرهنگ
مسلمانان است. اهمیت وقف در نظر ائمه علیهم السلام
تا آنجاست که حضرت علی علیه السلام در یکی از
وقف‌نامه‌هایش هدف خود را از وقف چنین بیان می‌کند:

«ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ لِيُؤَلِّجَنِي بِهِنَّ الْجَنَّةَ وَيَصْرِفَنِي بِهِنَّ عَنِ النَّارِ
وَيَصْرِفَ النَّارَ عَنِّي يَوْمَ تَبْيِضُ وُجُوهُ وُجُوهُ وَتَسْوَدُ وُجُوهُ»^{۸۵}: به
منظور جلب رضایت الهی تا به سبب آن مرا داخل
بهشت برین فرماید و از آتش دورم دارد و آتش را از
صورت‌م دور فرماید در روزی که صورت‌هایی سفیدند و
صورت‌هایی سیاه.

در میان ائمه علیهم السلام، حضرت علی علیه السلام
بیشترین وقف را داشته است. علی علیه السلام در مدت
۲۵ سال امامت خود به کارهای کشاورزی و باغداری
مشغول بودند و از این طریق املاک و مزارع فراوانی را
به دست آوردند. آن حضرت غلات باغ‌ها را در راه
رضای خدا به صورت زکات و صدقه‌ی واجب یا

^{۸۵}. وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۱۲؛ بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۸۳.

مستحب انفاق می‌کردند و در آخر عمرشان همه باغ‌ها و
مزارع را وقف کردند.^{۸۶}

از جمله موقوفات آن حضرت عبارت است از:

۱. الاحمر

صحرائی است در «الرَّجْلَاء» بین مدینه و شام، نیمی
از آن از موقوفات آن حضرت و نیم دیگر متعلق به
وراث بود.^{۸۷}

۲. ادبیه

در صحرای «إِضْم» در اطراف مدینه واقع است.^{۸۸}

۳. اذینة

نام یکی از وادیهای «قَبَلِيَّة» در اطراف مدینه
می‌باشد.^{۸۹}

املاک و بردگان آنجا صدقه‌اند، چنانچه در وقفنامه
عمومی آمده.

^{۸۶}. بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۴۳

^{۸۷}. تاریخ المدینة: ج ۱، ص ۲۳۴.

^{۸۸}. همان، ص ۲۲۲

^{۸۹}. معجم البلدان، ج ۱، ص ۴، ص ۳۰۹.

۴. الأَسْحَن

صحرائی است در حدود «فدک».^{۹۰}

۵. بئرالملک

در صحرای «فَنَاءَ» واقع است.^{۹۱}

۶. البَغِيغَة

چاهی است در نزدیک «رشاء» در اطراف مدینه. از حضرت صادق علیه‌السلام از پدرش نقل شده که چون به علی علیه‌السلام پیدا شدن این چشمه را بشارت دادند فرمود: وارث خشنود می‌گردد، آن‌گاه فرمود: وقف است بر مساکین و مسافرانی که خرجی راه ندارند و نیازمندان نزدیک.^{۹۲}

۷. البَغِيغَات

چند چشمه است در «ینبع» به نامهای «خَيْفُ الأَرَاك» و «خَيْفُ لیلی» و «خَيْفُ بسطاس».

^{۹۰}: تاریخ المدینة: ج ۱ ص ۲۲۵.

^{۹۱}: همان: ص ۲۲۳.

^{۹۲}: همان: ص ۲۲۰.

مجموع این چشمه‌ها را حضرت علی وقف نموده
است.^{۹۳}

۸. البیضاء

صحرائی است در «حَرَّة الرَّجْلَاء» دارای مزارع و
باغها.^{۹۴}

۹. خانه‌ای در مدینه

این خانه در محله «بَنی زُرَیْق» در شهر مدینه واقع
است و حضرت آن را وقف نمود تا خاله‌هایش در
آن سکنی داشته باشند و پس از آنها در اختیار
نیازمندان از مسلمین باشد.^{۹۵}

۱۰. دیمه

معلوم نشد کجاست. املاک آنجا وقف و بردگان آن
صدقه‌اند جز «زُرَیْق» که آزاد است؛ چنانچه در
وقفنامه عمومی آمده.

۱۱. ذات کلمات

^{۹۳}. همان: ص ۲۲۲.

^{۹۴}. همان: ص ۲۳۴.

^{۹۵}. تهذیب الاحکام: ج ۹ ص ۱۳۱.

چهار چاه است در «حَرَّة الرَّجْلَاء» به نامهای «ذوات العشاء» و «قعین» و «معید» و «رعوان» که مجموعاً از جمله موقوفات آن حضرت می‌باشد.^{۹۶}

۱۲. رعیه

صحرائی است در حدود «فدک» دارای نخل و اندکی آب که از کوه ریزش می‌کند.^{۹۷}

۱۳. عین ابی‌نیزر

چشمه‌ای است در «ینبع» پُر آب و دارای نخل‌های بسیار، منسوب به «أَبُوئِزَرَ» یکی از غلامان حضرت امیر علیه‌السلام.^{۹۸}

۱۴. عین موات

چشمه‌ای است در «وادی القری».^{۹۹}

۱۵. عین فاقه

^{۹۶}. تاریخ المدینة: ج ۱ ص ۲۲۴.

^{۹۷}. همان: ص ۲۲۴.

^{۹۸}. وفاء الوفا: ج ۱ ص ۱۲۷.

^{۹۹}. تاریخ المدینة: ج ۱ ص ۲۲۳.

چشمه‌ای است در «وادی القری» و «عین حسن»
نیز نامیده می‌شود.^{۱۰۰}

۱۶. عین ینیع

«یَبُئِع» دهی است نزدیک کوه «رَضوی» و از مدینه
هفت منزل فاصله دارد، دارای چشمه‌های پر آب و
گوارا و زمینی حاصلخیز^{۱۰۱} بعضی چشمه‌های آنجا
را یکصد و هفتاد چشمه گفته‌اند.^{۱۰۲}

از عمار یاسر نقل شده که حضرت پیامبر صلی الله
علیه و آله زمینی را از «ذی العَشیرة» در ینیع به حضرت
امیر بخشید و عمر نیز در آیام خلافتش قطعه‌ای در
همانجا بدو بخشید و علی علیه‌السلام در آنجا ملکی
دیگر خرید و مجموعاً چند چشمه در آنجا داشت و همه
را وقف نمود.^{۱۰۳}

این ملک در وقفنامه عمومی ذکر شده با قید هرچه در
اطراف آن است و صدقه بودن بردگانی که در آنجا به

^{۱۰۰} . همان: ص ۲۲۳.

^{۱۰۱} . معجم البلدان: ج ۱ ص ۴۵۰.

^{۱۰۲} . عمدة الاخبار: ص ۳۵۳.

^{۱۰۳} . وفاء الوفا: ص ۱۳۳۴.

کار مشغول‌اند جز سه تن از آنها «ریاح» و «ابونیزر» و «جبیر» که آزاد می‌باشند.

۱۷. فقیرین

نام دو جاست در اطراف مدینه که حضرت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌به‌امیرالمؤمنین بخشیده، و اصل این نام به معنی چاه یا حفیره‌ای است که برای به کار گذاشتن نخل حفر می‌کنند.^{۱۰۴} این زمین حاصلخیز در عصر ما نیز معروف است و به زبان محلی «الْفُقَيْر» نامیده می‌شود.^{۱۰۵} از حضرت صادق علیه‌السلام روایت شده که در ینبع چشمه‌ای احداث کردند، آبی از آن به طرف آسمان جوشید مانند گردن یک شتر، چون به حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام بشارت دادند فرمود: به وارث بشارت دهید، این چشمه صدقه و وقف است برای زایران خانه خدا و مسافرینی که نیاز به خرج راه دارند، فروخته و بخشیده و به ارث گذاشته نمی‌شود...^{۱۰۶}

^{۱۰۴}. معجم البلدان: ج ۴ ص ۲۶۹؛ وفاء الوفا، ص ۱۲۸۲.

^{۱۰۵}. عمدة الاخبار: ص ۳۱۸.

^{۱۰۶}. الکافی: ج ۷، ص ۵۴؛ تهذیب الاخبار: ج ۹، ص ۱۴۸.

۱۸. القصیبة

باغی است در حدود «فدک».^{۱۰۷}

۱۹. وادی القرى

نام صحرای وسیعی است بین مدینه و شام، دارای روستاهای بسیار و حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله آنجا را فتح نموده‌اند.^{۱۰۸}

حضرت فاطمه علیها السلام نیز بسیاری از باغ‌های خود را در مدینه وقف کرد.^{۱۰۹}

حضرت امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام هم باغ‌های خود را که هم اکنون در محله «نخاوله» مدینه به نام باغ صبا و باغ مرجان معروف است وقف کرده‌اند.

سایر ائمه علیهم السلام املاک و اموال خود را در راه خدا و برای رفع نیاز فقرا وقف کرده‌اند. امام محمد باقر

^{۱۰۷}. تاریخ المدینة: ج ۱، ص ۲۲۵.

^{۱۰۸}. معجم البلدان: ج ۵، ص ۳۴۵.

^{۱۰۹}. الکافی: ج ۷، ص ۴۸، ح ۵.

علیه السلام و امام صادق علیه السلام نیز موقوفاتی در
مدینه داشته‌اند.^{۱۱۰}

وقف و امام حسین علیه السلام

انسان منصف سپاسگزار اشخاصی است که به او نیکی
کرده‌اند و هر اندازه ایثار اتفاق افتاده، شدت یابد کرنش
آدمی در برابر آن فداکاری بیشتر می‌شود چه رسد به
اینکه بهترین خلق خدا در برهه‌ای از زمان خود را وقف
کند. آری حسین بن علی علیه السلام خود را وقف کرد
و آدمیان در تقرب به خدای حسین با توسل به او،
اموالشان را وقف می‌کنند و بدینسان قطره وجودشان را
به دریای خروشان وجود حسین پیوند می‌زنند و
حسینی می‌شوند.

آیات:

۱. «ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ
عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا
الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا
حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ»^{۱۱۱}؛ این همان

^{۱۱۰}. نگاهی به وقف و آثار اقتصادی اجتماعی آن: ص ۶۵.

^{۱۱۱}. شوری: ۲۳.

چیزی است که خداوند بندگانش را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند به آن نوید می‌دهد! بگو: «من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم [اهل بیت] و هر کس کار نیکی انجام دهد، بر نیکی‌اش می‌افزایم چرا که خداوند آمرزنده و سپاسگزار است.

۲. «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ»^{۱۱۲}؛ و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما، (مردم را) هدایت می‌کردند و انجام کارهای نیک و برپاداشتن نماز و ادای زکات را به آنها وحی کردیم و تنها ما را عبادت می‌کردند.

۳. «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»^{۱۱۳}؛ این است (مناسک حج) و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دل‌هاست.

^{۱۱۲}. انبیا: ۷۳.

^{۱۱۳}. حج: ۳۲.

روایات:

۱. عَنْ مِهْرَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوْصَى أَنْ يُنَاحَ عَلَيْهِ سَبْعَةَ مَوَاسِمٍ فَأَوْقَفَ لِكُلِّ مَوْسِمٍ مَالًا يُنْفَقُ فِيهِ.^{۱۱۴}

محمد بن مهران گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که وصیت فرمود: در هفت موسم پس از ایشان برایش نوحه و سوگواری شود و برای هر موسمی مالی مقرر فرمود که خرج کنند.

۱. رُوِيَ: أَنَّ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اشْتَرَى النَّوَاحِيَ الَّتِي فِيهَا قَبْرُهُ مِنْ أَهْلِ نَيْنَوَى وَالْغَاضِرِيَّةِ بِسِتِّينَ أَلْفِ دِرْهَمٍ وَتَصَدَّقَ بِهَا عَلَيْهِمْ وَشَرَطَ أَنْ يُرْشِدُوا إِلَى قَبْرِهِ وَ يُضَيِّقُوا مَنْ زَارَهُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ.^{۱۱۵}

روایت شده که امام حسین علیه السلام اطراف قبر خودشان را از اهل نینوا و غاضریه به شصت هزار درهم خریدند و به آنها بخشیدند به شرط اینکه زائرینش را به

^{۱۱۴}. من لا يحضره الفقيه: ج ۴ ص ۲۴۴ ح ۵۵۷۸.

^{۱۱۵}. مستدرک الوسائل: ج ۱۰ ص ۳۲۱ ح ۱۲۰۹۲.

قبرش راهنمایی کنند و تا سه روز از زائرینش پذیرائی کنند.

احکام:

۱. شخصی املاک خود را وقف نموده تا درآمد آنها در موارد خاصی از کارهای خیر مانند کمک به سادات و اقامه مجالس عزاداری مصرف شود و در حال حاضر با افزایش قیمت اجاره آن املاک که جزء منافع وقف است، بعضی از مؤسسات یا اشخاص به دلیل عدم وجود امکانات در آنها یا دلایل فرهنگی یا سیاسی یا اجتماعی و یا دینی خواهان اجاره ملک موقوفه به قیمت ناچیزی هستند، آیا جایز است مدیریت اوقاف آنها را به قیمتی کمتر از قیمت روز اجاره دهد؟

بر متولی شرعی و مسئول اداره امور وقف واجب است در اجاره دادن به کسی که خواهان آن است و در تعیین مبلغ اجاره رعایت مصلحت و منفعت وقف را بنماید، در نتیجه اگر در تخفیف مبلغ اجاره به سبب اوضاع و احوال خاص مستأجر یا اهمیت کاری که وقف برای آن

اجاره داده می‌شود، نفع و مصلحت وقف باشد اشکال ندارد و الا جایز نیست.^{۱۱۶}

۲. شخصی ملک خود را برای برپایی مجالس عزاداری سیدالشهداء علیه‌السلام در روستا وقف کرده است، ولی در حال حاضر متولّی وقف، توانایی اقامه عزا در روستای مذکور در وقفنامه را ندارد، آیا جایز است در شهری که در آن اقامت دارد مجالس عزاداری برگزار کند؟

اگر وقف، مخصوص اقامه مجالس عزاداری در همان روستا باشد، تا زمانی که عمل به وقف هرچند با گرفتن وکیل برای آن، در همان روستا ممکن باشد، حق ندارد آن مجالس را به جای دیگر انتقال دهد، بلکه واجب است فردی را نایب بگیرد تا در آن روستا مجالس عزاداری برپا کند.^{۱۱۷}

۳. شخصی قطعه‌ای از زمین‌های خود را برای ساخت حسینیه وقف کرده و ساخت حسینیه

^{۱۱۶}. اجوبة الاستفتانات: سؤال ۲۰۱۰.

^{۱۱۷}. اجوبة الاستفتانات: سؤال ۲۰۴۸.

مذکور در آنها به پایان رسیده است، ولی بعضی از اهالی قسمتی از حسینیه را تبدیل به مسجد کرده‌اند و در حال حاضر در آن به عنوان مسجد، نماز جماعت می‌خوانند، آیا تبدیل حسینیه به مسجد توسط آنان صحیح است؟ و آیا احکام مسجد بر آن قسمت مترتب می‌شود؟

واقف و غیر او حق تبدیل حسینیه‌ای را که به عنوان حسینیه وقف شده به مسجد ندارند و با این کار، تبدیل به مسجد نمی‌شود و احکام و آثار مسجد هم بر آن مترتب نمی‌گردد، ولی برپایی نماز جماعت در آن اشکال ندارد.^{۱۱۸}

داستان:

وصیت يك شهيد و كمك به مسجد:

یکی از شهیدان مخلص ایران (در جنگ تحمیلی ایران و عراق) در قسمتی از وصیتش چنین می‌نگارند:

دو هزار تومان از مالم را به صندوق سپاه پاسداران بدهید، بخاطر اینکه شاید از کاغذهای و قلم اداره سپاه احیانا، بدون مجوز استفاده کرده باشم.

^{۱۱۸}. اجوبة الاستفتائات: سؤال ۲۰۸۸.

دو فرش دارم، یکی از آنها را به مسجد بدهید تا در مسجد بیندازید. فرش دیگر در خانه باشد تا بچه‌های محله بیایند و روی آن فرش، مراسم مذهبی خود را اجرا کنند.^{۱۱۹}

وقف مهدوی

کار سرباز، جانفشانی در راه آرمان فرمانده است و اگر صاحب اختیار و پیشوای فردی معصوم و حاضر باشد، انگیزه شوق رضای امام در دل سرباز موج می‌زند. سرباز هر خوبی را برای مقتدای ناظر خویش می‌خواهد و او را ولی نعمت و واسطه فیض خدایش می‌داند برای او و گسترش فرهنگ امامش وقف می‌کند و به وقف مهدوی خویش مباحات می‌ورزد.

تعریف وقف مهدوی: وقف مهدوی با توجه به تعریف فقهی آن به معنای این است که جهت و سمت و سوی وقف، درباره امام مهدی علیه السلام باشد. به عبارت دیگر واقف با نیت و انگیزه رشد و توسعه فرهنگ مهدویت، چیزی را در راه امام زمان علیه السلام وقف نماید.

^{۱۱۹}. داستان‌ها و پندها: ج ۱۰ ص ۱۳۹.

آیات:

۱. «ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ»^{۱۲۰}؛ این همان چیزی است که خداوند بندگان را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند به آن نوید می‌دهد! بگو: «من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم [اهل بیت] و هر کس کار نیکی انجام دهد، بر نیکی‌اش می‌افزایم چرا که خداوند آمرزنده و سپاسگزار است.

۲. «وَمَا تَقْدِمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»^{۱۲۱}؛ هر چه از نیکی برای خویش از پیش فرستید آن را نزد خدا بهتر و با پاداشی بزرگ‌تر خواهید یافت.

^{۱۲۰}. شوری: ۲۳.

^{۱۲۱}. بقره: ۱۱۰.

۳. «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ»^{۱۲۲}؛ آنچه خداوند برای شما باقی گذارده (از سرمایه‌های حلال)، برایتان بهتر است اگر ایمان داشته باشید! و من، پاسدار شما (و مأمور بر اجبارتان به ایمان) نیستم.

نکته دقیقی که از آیات نورانی قرآن فهمیده می‌شود این است که «وقف مهدوی» از اموال دوست داشتنی انتخاب شود و بدانید هر چه وقف نمایید، همان را در روز قیامت می‌یابید.

روایات:

۱. قال الصادق عليه السلام: رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا حَبَسَ نَفْسَهُ عَلَيْنَا.^{۱۲۳}

امام صادق علیه السلام فرمودند: خدا رحمت کند کسی را که خود را وقف ما کند»^{۱۲۴}

^{۱۲۲}. هود: ۸۶.

^{۱۲۳}. المحاسن: ج ۱ ص ۱۷۳ ح ۱۴۸.

^{۱۲۴}. همان.

۲. امام صادق علیه السلام به عنوان تأیید و

تصدیق موضع منتظرانه یکی از شیعیان می-

فرماید:

«يَا عَبْدَ الْحَمِيدِ أ تَرَى مَنْ حَبَسَ نَفْسَهُ عَلَى اللَّهِ لَا يَجْعَلُ

اللَّهُ لَهُ مَخْرَجًا بَلَىٰ وَاللَّهِ لَيَجْعَلَنَّ اللَّهُ لَهُ مَخْرَجًا».^{۱۲۵}

«ای عبدالحمید! آیا به نظر تو کسی که خودش را وقف

برای خدای عزوجلّ نموده باشد خداوند برایش فرج و

گشایشی حاصل نمی فرماید؟ چرا، به خدا سوگند که

حتماً برای او گشایش و رهایی قرار می دهد».

۳. أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ الْأَشْعَرِيَّ وَ كَانَ وَكِيْلًا فِي

الْأَوْقَافِ بِقُمْ.^{۱۲۶}

امام زمان علیه السلام وکیل وکیل در قم برای اوقاف داشتند.

احکام:

اگر وصف «ارشد و اصلح» در تولیت فرزند ذکوری که

از جهت سنی در بین موقوف علیهم از همه بزرگتر است

شرط باشد، آیا اثبات رشد و صالح بودن هم واجب

^{۱۲۵}. کمال الدین: ج ۲ ص ۶۴۴.

^{۱۲۶}. بحار الانوار: ج ۵۰ ص ۳۲۳ ح ۱۷.

است یا اینکه مجرد بزرگتر بودن او از جهت سنی باعث می‌شود که اصل بر اصلح و ارشد بودن او گذاشته شود؟
باید همه شروط تصدّی تولیت احراز شود.^{۱۲۷}

داستان:

جسارت نابینا و عنایت امام زمان علیه السلام:

شمس الدین محمد بن قارون می گوید:

«معمربن شمس» که معروف به «مذوّر» بود، یکی از نزدیکان و دوستان خلیفه به شمار می رفت. روستایی به نام «بُرس» به او تعلق داشت که آن را وقف سادات نموده بود.

نایب او که شیعه ای خالص بود، «ابن خطیب» نام داشت، خادم او شخصی به نام «عثمان» که سنی مذهب بود، به امور مایحتاج مصرفی او رسیدگی می کرد. بین ابن خطیب و عثمان همیشه مجادله اعتقادی وجود داشت.

روزی به اتفاق هم به حجّ مشرف شدند، در کنار مقام ابراهیم (علیه السلام) بودند که ابن خطیب رو به عثمان

^{۱۲۷}. اجوبه الاستفتانات: سؤال ۲۰۳۳.

کرد و گفت: بیا باهم مباحله کنیم. من نام کسانی را که دوست دارم یعنی حضرت علی، حسن و حسین (علیهم السلام) را کف دستم می نویسم، تو نیز نام کسانی را که دوست داری یعنی ابوبکر، عمر و عثمان را بنویس. آن گاه با هم دست می دهیم. دست هر که سوخت، اعتقاد او باطل و دست آن که سالم ماند. اعتقادش بر حق است.

عثمان این مباحله را نمی پذیرفت. حاضرین که از طبقه رعایا و عوام بودند، به او اعتراض نموده و سرزنشش کردند.

مادر عثمان که از محل مشرفی شاهد صحنه بود، معترضین را به باد دشنام و ناسزا گرفت و آن ها را تهدید کرد. در همان حال کور شد! وقتی متوجه شد که نمی تواند جایی را ببیند، دوستان خود را فرا خواند. آن ها چشمان او را بررسی کردند، متوجه شدند که ظاهراً سالم است. اما جایی را نمی تواند ببیند. او را به حله بردند. خبر او در همه جا شایع شد. پزشکان بغداد و حله را برای معاینه او حاضر کردند اما آن ها نیز نتوانستند کاری انجام دهند.

عده ای از زنان مؤمن حله به او گفتند: آن که تو را کور نموده است، قائم آل محمد (علیه السلام) است، اگر شیعه شوی و با دوستان او تولی داشته باشی و از دشمنانش تبری نمایی ما ضمانت می کنیم که خداوند سلامتی تو را به تو باز خواهد گرداند، و بدون این، امکان ندارد که دوباره بینا شوی.

او نیز به این امر تن داده و راضی شد و به مذهب تشیع گروید.

زنان حله او را شب جمعه به محلی که منسوب به امام زمان (علیه السلام) بود و در حله قرار داشت، بردند و شب را به همراه او زیر قبه آن مکان شریف بیتوته نمودند.

هنوز چند ساعتی از شب نگذشته بود که ناگاه آن زن بیدار شده و از قبه بیرون آمد و چشم های او کاملاً سالم و نابینایی اش برطرف شده بود، یکی یکی زنان را بیدار کرده و لباس ها و زینت آلاتشان را وصف می نمود.

آنها از شفای او مسرور شدند و حمد الهی را به جای آوردند، سپس کیفیت ماجرا را پرسیدند.

گفت: وقتی مرا تحت قبه شریف حضرت (علیه السلام) گذاشته و رفتید، هنوز چیزی نگذشته بود که احساس کردم که کسی دستش را روی دستم نهاد و گفت: برخیز که خداوند تو را شفا عنایت فرمود.

چشمانم را گشودم همه چیز را می دیدم. قبه را دیدم که مملو از نور شده و در میان آن مردی ایستاده بود. گفتم: آقا جان! شما که هستید؟

فرمود: م ح م د بن حسن.

آنگاه ناگهان غایب شد. زن ها به اتفاق او از آن محل شریف خارج شده و خبر شفای او را در حله پخش نمودند. فرزندش عثمان نیز شیعه شد و اعتقاد او و مادرش خوب و محکم گردید.

این ماجرا مشهور شد و هر کس آن را می شنید نسبت به وجود امام زمان علیه السلام معتقد می شد.^{۱۲۸}

نامه امام زمان علیه السلام به پیرمرد زنجان:

محمد بن احمد صفوانی می گوید: من اهل «ران» شهری بین مراغه و زنجان هستم. در شهر ما پیرمردی زندگی

^{۱۲۸}. بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۷۱ - ۷۳.

می کرد که صد و هفده سال داشت. نام او قاسم بن علا بود. او به شرف ملاقات امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام رسیده بود، و در زمان غیبت صغرا همیشه نامه هایی از ناحیه مقدّس حضرت ابا صالح المهدی علیه السلام توسط سفرای آن حضرت - یعنی محمّد بن عثمان و حسین بن روح - دریافت می کرد. او در هشتاد سالگی از دو چشم نابینا شده بود. روزی ما در خانه او بر سر سفره مشغول غذا خوردن بودیم. او بسیار اندوهگین بود، زیرا دو ماه بود که هیچ ارتباطی با حضرت علیه السلام نداشت. در این حال، دربان خانه وارد شد و با شادی گفت: پیک عراق!

قاسم بسیار مسرور شد. رو به قبله نموده، سجده شکری به جای آورد.

قاصد، مردی میان سال و کوتاه قد بود که مانند اغلب قاصدان پیراهنی کتانی پوشیده و عبایی بر دوش انداخته بود، و کفش مخصوص سفر در پا داشت و خورجینی بر دوش.

قاسم برخاست و او را در آغوش کشید و خورجینش را از روی دوشش برداشت. دستور داد طشت و آب

آوردند تا دستانش را بشوید. سپس او را کنار خود نشاند و با هم مشغول غذا شدیم، بعد از اتمام غذا و شستن دست، آن مرد، نامه ای را که کمی از نصف یک نامه معمولی بزرگتر به نظر می رسید بیرون آورد و به قاسم داد.

وقتی قاسم نامه را گرفت آن را بوسید و به کاتب خود ابوعبدالله بن ابی سلمة داد، کاتب نامه را گرفت و مهر آن را باز کرد و خواند.

وقتی سکوت کاتب بیش از حد معمول به طول انجامید، قاسم دانست که نکته ای در نامه هست که بیان آن برای کاتب دشوار است. به همین خاطر پرسید: آیا خبری شده است؟

کاتب گفت: خیر است. قاسم گفت: آیا در مورد من مطلبی فرموده اند؟

کاتب گفت: اگر دوست نداری، نگویم. قاسم گفت: مطلب چیست؟

کاتب گفت: حضرت علیه السلام فرموده اند: «وقتی این نامه رسید، چهل روز بعد فوت می کنی»، و هفت تکه پارچه نیز فرستاده اند.

قاسم گفت: آیا دینم به سلامت خواهد بود؟ کاتب گفت: آری. آنگاه قاسم خندید، و گفت: دیگر آرزویی بعد از این عمر طولانی ندارم. آنگاه مرد تازه وارد برخاست، و از خورجینش سه دست شلوار، یک پیراهن حبری یمانی سرخ، یک عمامه، دو دست لباس و یک حوله بیرون آورد و به قاسم داد. خود قاسم نیز پیراهنی داشت که امام رضا علیه السلام به او خلعت داده بود. قاسم دوستی داشت به نام عبدالرحمان بن محمد سنیزی که به رغم دوستی اش با قاسم، شدیداً دشمن اهل بیت علیهم السلام بود. دوستی آن ها نیز به خاطر روابط اقتصادی بود. قاسم هم نسبت به او علاقه ای داشت.

عبدالرحمان قصد داشت به خانه قاسم بن علا بیاید، زیرا می خواست پسر قاسم را که حسن نام داشت با پدرزنش که ابوجعفر بن حمدون همدانی بود، آشتی دهد.

قاسم، به دو نفر از مشایخ که با او مأنوس بودند و نام یکی ابو حامد عمران بن مفلّس و دیگری ابو علی بن جحدر بود، گفت: می خواهم این نامه را برای عبدالرحمان بخوانید چون دوست دارم هدایت شود، و امیدوارم خداوند با خواندن این نامه او را هدایت کند.

آنها در پاسخ گفتند: به خاطر خدا از این فکر درگذر، که حتی بسیاری از شیعیان هم تحمّل شنیدن این مطالب را ندارند و گمان می کنند که دروغ است چه رسد به عبدالرحمان.

قاسم گفت: می دانم رازی را که اجازه ندارم آشکار نمایم، فاش می کنم. با این حال، به خاطر محبتی که نسبت به عبدالرحمان و علاقه ای که به هدایت او دارم می خواهم این نامه را برایش بخوانم.

آن روز گذشت و روز پنج شنبه ۱۳ رجب عبدالرحمان نزد قاسم آمد و سلام نمود. قاسم آن نامه را بیرون آورد و گفت: این نامه را بخوان و به وجدان خود رجوع کن.

عبدالرحمان شروع به خواندن نامه کرد، وقتی به آن قسمت که خبر فوت قاسم نوشته شده بود رسید، نامه را پرت کرد و گفت: ای ابامحمد! تقوای الهی را پیشه کن!

تو مردی فاضل هستی، و از دینت اطلاع داری. چطور عقلت این موضوع را می پذیرد در حالی که خداوند فرموده است: «وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ»^{۱۲۹}؛ هیچ کس نمی داند فردا چه روی خواهد داد و هیچ کس نمی داند در کدام سرزمین می میرد.

و در جای دیگر می فرماید: «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا»^{۱۳۰}؛ اوست دانای به غیب و بر هیچ کس غیب او آشکار نمی شود.

قاسم خندید و گفت: آیه را تا آخر بخوان که: «إِلَّا مَن ارْتَضَىٰ مِن رَّسُولٍ»^{۱۳۱}؛ جز فرستاده ای که خدا از او خشنود باشد.

و مولای من فرستاده مورد رضایت خدا است. می دانستم که تو چنین خواهی گفت. با این حال، تاریخ امروز را داشته باش، اگر من بعد از تاریخی که در نامه

^{۱۲۹}. لقمان: ۳۴.

^{۱۳۰}. جن: ۲۶.

^{۱۳۱}. جن: ۲۷.

ذکرشده زنده ماندم بدان که حق با من نیست، اما اگر
مُردم به وجدان خود مراجعه کن.

عبدالرحمان نیز تاریخ آن روز را نوشت و از یکدیگر
جدا شدند.

محمد بن احمد صفوانی گوید: قاسم بن علا درست هفت
روز بعد از رسیدن نامه بیمار شد، و از آن روزی که
عبدالرحمان را دید بیماری اش شدیدتر شد، سی و سه
روز بعد از رسیدن نامه به دیدن او رفتم، او در بستر
افتاده و به دیوار تکیه داده بود. فرزندش حسن که دائم
الخمیر بود و دامادش ابوجعفر بن حمدون همدانی گوشه
ای نشست و ردایش را بر سر کشیده بود. ابو حامد،
عمران بن مفلس هم در گوشه ای دیگر و ابو علی بن
جحدون و من و گروهی از مردم شهر نیز می گریستیم.

ناگاه دیدیم که قاسم به دستهای خود، به طرف پشت
تکیه کرده و می گوید: «یا محمد! یا علی! یا حسن! یا
حسین! یا موالی! کونوا شفعا ئی إلى الله عزوجلّ. یا
محمد! یا علی! یا حسن! یا حسین! ای سروران من! مرا
در نزد خداوند شفاعت کنید».

آنگاه دوباره این عبارات را تکرار کرد، در مرتبه سوّم ائمه دیگر را نیز به شفاعت طلبید، وقتی به نام مبارک امام علی بن موسی الرضا علیه السلام رسید پلکهای چشمانش لرزید چنان که اطفال گلبرگهای گلهای لاله را می لرزانند! حدقه چشمانش باد کرد. آنها را با سر آستین خویش مالش داد. چیزی شبیه آب گوشت از آنها خارج شد.

سپس به طرف فرزندش نگاه کرد و گفت: حسن! بیا نزد من. آنگاه ابو حامد و ابو علی را صدا زد و همه گرد او جمع شدیم در حالی که او به ما با چشمان سالم نگاه می کرد. ابو حامد گفت: مرا می بینی؟ قاسم دستش را بر روی یک یک ما نهاد و همه دانستند که او بینا شده است. این خبر بین عموم مردم شایع شد و همه برای مشاهده و زیارت او آمدند.

وقتی خبر به بغداد و به قاضی القضاة بغداد - یعنی ابو سائب عتبه بن عبیدالله مسعودی - رسید، به سرعت خود را به شهر ما رساند و به نزد قاسم رفت. چون قاسم را ملاقات کرد انگشتی که نگین فیروزه داشت که بر روی آن سه سطر نگاشته شده بود به او نشان داد و

گفت: این چیست؟ قاسم آن را دید و گرفت، ولی نتوانست خطوط روی آن را بخواند. مردم تعجب کردند. عده ای به خاطر این که قاسم توانسته بود انگشتر قاضی را ببیند و تشخیص دهد و عده ای هم به خاطر این که نتوانسته بود خطوط روی آن را بخواند! در این باره باهم گفت و گو می کردند.

قاسم رو به فرزندش حسن کرده و گفت: خداوند به تو منزلت و مرتبتی داده است. آن را قبول کن و خداوند را سپاسگزار باش.

حسن گفت: قبول کردم. قاسم گفت: چگونه؟

حسن گفت: هر طور که شما بفرمائید پدر جان!

قاسم گفت: باید از خوردن شراب دست کشیده و توبه کنی.

حسن گفت: قسم به حق کسی که تو او را یاد می کنی از خوردن شراب و اعمالی که تو از آنها بی خبری دست برداشتم!

آنگاه قاسم دست به دعا برداشته و گفت: خداوندا!
طاعت خویش را به حسن الهام کن، و او را از معصیت
خویش دور نما!

و این جمله را سه بار تکرار کرد، آنگاه کاغذی خواست
و وصیت خود را به دست خود تنظیم کرد، و از جمله،
زمین هایی را که داشت وقف امام زمان علیه السلام
نمود و خطاب به فرزندش نوشت:

اگر شایستگی وکالت امام علیه السلام را یافتی نصف
درآمد زمینهای «فرجیده» از آن توست، و مابقی متعلق
به مولایم امام زمان علیه السلام است، و اگر این
شایستگی را نیافتی، خیر، خود را از راهی که مورد
رضای خداست جستجو کن.

حسن نیز وصیت پدر را پذیرفت. درست روز چهارم،
هنگام دمیدن فجر قاسم وفات یافت، رحمت خدا بر او
باد.

عبدالرحمان خود را به خانه قاسم رساند در حالی که با
سرو پای برهنه و اندوهی فراوان در کوی و بازار فریاد
می زد: ای وای آقایم!

وقتی مردم او را در این حال دیدند فهمیدند که او نسبت به قاسم احترام بسیاری قائل بوده است. از او پرسیدند: چه شده که چنین می‌کنی؟

عبدالرحمان گفت: ساکت باشید. آنچه که من از او دیده‌ام شما ندیده‌اید.

ابو حامد بر جنازه قاسم آب ریخت، و ابوعلی بن جحدر او را غسل داد. پس از غسل ابتدا خلعتی را که امام رضا علیه السلام به قاسم اعطا فرموده بودند، پوشانیدند، آنگاه با هفت تکه قُمَاشی که حضرت حجّت علیه السلام از عراق فرستاده بودند، او را کفن نمودند.

پس از تشییع جنازه قاسم، عبدالرحمان دست از عقیده باطل خود برداشت و به ولایت و حضور امام زمان علیه السلام ایمان آورد، و بسیاری از املاک خود را وقف حضرت علیه السلام نمود.

بعد از مدّت کوتاهی نامه تسلیت امام زمان علیه السلام خطاب به حسن پسر قاسم رسید، و ایشان در انتها او را همانطور که پدرش دُعا کرده بود، دُعا فرموده بودند که:

«خداوندا! طاعت خویش را به حسن الهام کن، و او را از معصیت خود دور نما». و پس از آن مرقوم نموده بودند:

«ما پدرت را امام تو قرار دادیم و اعمال او الگوی توست».^{۱۲۲}

نکات:

۴. وقف مهدوی، احساس مسئولیت در برابر امام زمان عج و عینیت بخشیدن به اهداف امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است و قطعاً وقف می‌تواند نقش بسزایی در آماده نمودن مردم برای ظهور نماید و زمینه‌سازی برای ظهور نماید.

چرا که مهدویت در همه عرصه‌ها از عبادت و خانواده تا اجتماع و سیاست حضوری پر رنگ دارد. بدون مهدویت، هستی مبهم و گنگ و ابتر است. مهدویت با ترسیمی که از ابتدا و توصیفی که از انتهای تاریخ انسانی دارد، تنها دلیل برای بودن، تنها علت برای رفتن و

^{۱۲۲}. غیبت طوسی: ص ۳۱۰ - ۳۱۵.

بهترین گزینه برای امان ماندن از هزاران بی راهه و تنها راه برای پیمودن است.

مهدویت از یک سو شناخت دقیقی از آن چه هستیم (هویت) ارائه می‌کند و از سوی دیگر با گشودن هدف‌های عالی برای زندگی انسان را به رشد و تعالی سوق می‌دهد. آموزه‌ای با این اهمیت که اساساً راهبردی یعنی علاوه بر هدف هم راه و هم وسیله است انسان را با توحید و از مسیر توحید به توحید می‌رساند، چرا از ثروتی که خدا به ما داده است برای آن خرج نکنیم؟ ما امام مهدی علیه السلام را با جان و دل پذیرفته‌ایم ولی از پذیرش آن، چنان شاد نیستیم و تاکنون حاضر نشده ایم که برای آن خرج کنیم. بیا بید با وقف مهدوی ثابت کنیم امامان را از همه چیز و همه کس بیشتر دوست داریم.

چکامه ای از وقف علما و ملوک

تمام همت سنگربانان عرصه دیانت و فقاهاست این بوده و هست که خودشان عامل به موازین شریعت باشند و سنت‌های الهی را خودشان آنگونه که تبلیغ می‌کنند عمل نمایند. از این رو یا خودشان مستقیم موقوفاتی به

جای گذاشته‌اند و یا با تاثیر و تدبیر و راهنمائی‌شان، مردم و حتی ملوک و پادشاهان را به این مهم رهنمود می‌نموده‌اند. در اینجا به پاره‌ای از موقوفات علماء و ملوک اشاره می‌شود تا اهتمام بزرگان دینی و دنیوی بر این مقوله وقف تجلی دیگری بیابد.

آیات:

۱. «وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ»^{۱۳۳}؛ اما آنها که ایمان آوردند، و اعمال صالح انجام دادند، خداوند پاداش آنان را بطور کامل خواهد داد و خداوند، ستمکاران را دوست نمی‌دارد.
۲. «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»^{۱۳۴}؛ (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید! و از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید که مجازات خدا شدید است.

^{۱۳۳}. آل عمران: ۵۷.

^{۱۳۴}. مائده: ۲.

۳. «وَأَبْغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَ لَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ»^{۱۳۵}؛ و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن و همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن و هرگز در زمین در جستجوی فساد مباش، که خدا مفسدان را دوست ندارد.

۴. «وَ أَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا تُلْقُوا بِأَيْدِكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»^{۱۳۶}؛ و در راه خدا، انفاق کنید! و (با ترک انفاق)، خود را به دست خود، به هلاکت نیفکنید! و نیکی کنید! که خداوند، نیکوکاران را دوست می‌دارد.

^{۱۳۵}. قصص: ۷۷.

^{۱۳۶}. بقره: ۱۹۵.

روایات:

۱. عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: لَا يَتَّبِعُ أَحَدًا مِنَ النَّاسِ بَعْدَ الْمَوْتِ شَيْءٌ إِلَّا صَدَقَةٌ جَارِيَةٌ أَوْ عِلْمٌ صَوَابٌ أَوْ دُعَاءٌ وَكَلْدٌ.^{۱۳۷}

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: چیزی پس از مرگ مردم دستگیرشان نخواهد شد بجز صدقه جاریه یا علم صحیح و درست یا دعاء اولاد.

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ أَوْ صَدَقَةٌ تَجْرِي لَهُ أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ.^{۱۳۸}

پیامبر فرمودند: هرگاه انسان بمیرد، عمل او قطع می‌شود مگر از سه چیز: صدقه جاریه، علمی که از آن سود برده شود و فرزند صالحی که برای او دعا کند.

احکام:

۱. اگر مکانی برای تعلیم و تحصیل علوم دینیّه وقف شده باشد، آیا با وجود طلاب مشغول به تحصیل

^{۱۳۷}. دعائم الاسلام: ج ۲ ص ۳۴۰ ح ۱۲۷۸.

^{۱۳۸}. روضة الواعظین: ج ۱ ص ۱۱.

در آن مکان، جایز است افراد عادی و مسافران

از امکانات آنجا استفاده نمایند؟

اگر آن مکان وقف خصوص طلاب علوم دینی و یا به

منظور تدریس و تحصیل علوم دینی در آن باشد، جایز

نیست دیگران از آنجا استفاده کنند.^{۱۳۹}

۲. زمینی وجود دارد که مالکش آن را در حضور

عالم منطقه و دو نفر شاهد عادل برای ساختن

مسجد وقف کرده است و بعد از مدتی اشخاصی

بر آن تسلط پیدا کرده و خانه‌های مسکونی در

آن بنا نموده‌اند، وظیفه آن اشخاص و متولّی

چیست؟

اگر بعد از انشاء وقف زمین، قبض عین موقوفه با اذن

واقف تحقق پیدا کرده باشد، همه احکام وقف بر آن

مترتب می‌شود و ساخت خانه‌های مسکونی توسط

دیگران در آن برای خودشان غصب است و بر آنان

واجب است ساختمان خود را از بین ببرند و زمین را

تخلیه کنند و به متولّی شرعی آن تحویل دهند و در غیر

^{۱۳۹}. اجوبة الاستفتائات: سؤال ۲۰۳۱.

این صورت زمین بر ملک مالک شرعی آن باقی و تصرفات دیگران در آن متوقف بر اجازه مالک است.^{۱۴۰}

داستان:

روش زندگی و سیره سید مرتضی:

زمانی که عمر سید مرتضی از چهل سال فزونی گرفت، و ردای جوانی را از شانه فرو افکند، با عزیمتی خستگی ناپذیر خود را وقف مطالعه و تدریس کرد و سراسر ایامش را در اختیار تحصیل و تألیف کتب قرار داد و چنان به مجالست دانشمندان و معاشرت رؤسا و سردمداران فرهنگی روی آورد که مسئولیت های بیادگار مانده از دوران پدرش «ابو احمد» را بتمامی، تحویل برادرش «سید رضی» داد و تا بعد از فوت او هیچیک از این مسئولیت ها را عهده دار نگشت.

او کتابخانه ای وسیع و باعظمت تشکیل داد، و کوشید همه کتابهای شناخته شده عصر خویش را در آن گرد آورد.

^{۱۴۰}. اجوبة الاستفتانات: سؤال ۲۰۶۴.

ثعالبی تاریخ نگار گوید: ارزش کتابهای سید مرتضی بعد از فوت او به سی هزار دینار طلا تخمین زده شد و عدد کتب او هشتاد هزار جلد برآورد گردید.

سید مرتضی در نعمت و ثروت و خیراتی کثیر بسر می برد که شاید در بین دانشمندان شیعی کمتر کسی به این مقدار مکنّت مالی دست یافته باشد، نقل شده است که هشتاد قریه بین بغداد و کربلا تحت تملک او بود به گونه ای که نهری بزرگ از وسط اراضی او می گذشت که بخاطر پیوستن آن به فرات، محل عبور کشتی های تجارّتی و مسافرتی بود و سیّد، میوه های درختان حاشیه نهر را وقف گذرکنندگان از نهر، خصوصاً حاجیانی نموده بود که در موسم حج، مسافرت با کشتی را بر راه خشکی ترجیح می دادند.

در آمد این روستاها را در هر سال، حدود بیست و چهار هزار دینار بر آورد کرده اند. او در سایه این ثروت خدا داده توانست بدور از اشتغالات مادی و مشاغل دنیوی، تمام همّت و اندیشه خویش را در خدمت مطالعه و تدریس و تألیف و صدور فتاوی قرار دهد و نیز به رغبت های معنوی و خواسته های اخلاقی خویش جامه

عمل بیوشاند؛ چنانکه همه مردم خصوصاً پویندگان راه علم و وابستگان خویش را از فضل و احسان خویش بهره مند می نمود، خانه اش را محل ضیافت و استراحت هر غریب و نیازمند قرار داده و همه امکانات خود را در تأمین نیازهای علمی و تحقیقاتی دانشمندان و دانش پژوهان بکار می گرفت.

او برای بسیاری از شاگردان خود، مقرری خاصی در نظر گرفت و شهریه ای همیشگی قرار داد؛ چنانکه برای شیخ «ابو جعفر طوسی» (۳۸۵ - ۴۶۰ هجری قمری) که از شاگردان خاص او بود، ماهیانه دوازده دینار مقرر نمود که طی بیست و سه سال مصاحبت او با شیخ همچنان ادامه داشت. و نیز برای قاضی «عبدالعزیز ابن برّاج» در هر ماه هیجده دینار قرار داد و برای دیگران نیز بهمین ترتیب عمل می کرد، و روستایی کامل با همه درآمدش را وقف تهیه کاغذ برای فقهاء و دانشمندان کرد.^{۱۴۱}

^{۱۴۱}. امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام: ص ۱۱ - ۱۲.

شاه عباس:

در سال ۱۰۳۲ هجری شاه عباس اول به منظور زیارت عتبات مقدسه و سرکشی به متصرفات خود در عراق به نجف آمد و پس از آگاهی از وضعیت آب در نجف دستور انجام دادن دو کار را داد:

نخست آنکه دستور داد تعداد زیادی چاه عمیق در نقاط مختلف شهر حفر کنند. این چاه‌ها که عمق بسیار زیادی داشتند و در تمام فصول سال از آب کالغ و تا اندازه‌ای شیرین و گوارا برخوردار بودند تا سال‌های اخیر به نام چاه‌های شاه عباسی معروف‌اند و هنوز در بسیاری از نقاط شهر نجف مورد استفاده قرار دارند، بنا به نقل اهالی نجف در جریان قیام سال ۱۴۱۲ هجری که آب و برق نجف چندین ماه قطع بود تنها این چاه‌ها بودند که مردم را از تشنگی نجات دادند.

دستور دیگر شاه عباس، ترمیم و رسوب‌زدایی از آب-راهی بود که شاه اسماعیل اول آن را ایجاد کرده بود. شاه عباس بدین وسیله آب را از نهر فرات تا فاصله ۸ کیلومتری نجف کشانید، آن‌گاه با کنسدن تونلی، آب را به حوضچه‌های بزرگی در زیر زمین رساند و در اختیار مردم قرار داد. سعی و همت او در این کار به حدی بود

که کلیه سربازان و همراهان و اردوی خود را در این کار مشارکت داد، این آبراه تا سال‌ها مشکل بی‌آبی نجف را رفع نمود.

نمونه‌هایی از وقف ملوک:

۱. شاه تقی‌الدین:

میرزا شاه تقی‌الدین محمد رضوی در سال ۱۰۸۸ سه باب دکان واقع در پایین پای مبارک و یک تیمچه و دو باب دکان در محله عیدگاه در جنب تیمچه‌ی چیت‌گران وقف آستان قدس کرده بود.

۲. شاه محمد خان:

او از سلاطین قطب شاهی دکن هندوستان و از شیعیان بود، قطعه‌ای الماس گران‌بها وقف روضه مبارکه رضویه نمود.

۳. شاه محمد خان سرهنگ:

او از کارمندان وزارت امور خارجه بود و در سال ۱۳۰۳ قمری دو سهم از دوازده سهم کاروان‌سرای بازار بزرگ مشهد که به سرای سالار مشهور بود وقف آستان قدس رضوی نمود.

۴. نادر شاه افشار:

نادرشاه افشار مشهد مقدس را پایتخت خود قرار داد. او ایوان جنوبی صحن کهنه را طلاکاری کرد، و یک قندیل طلای مینای مرصعی با قفل طلای مرصعی به آستان قدس تقدیم داشت و چهارده زوج مزرعه دهشک را وقف سقاخانه طلائی صحن کهنه نمود تا از عواید آن آب در اختیار زائران قرار دهند. نادرشاه ۷۶ دربند دکان هم در میدان مشهد وقف مقبره خود کرده بود.

۵. محمد خوارزمشاه:

سلطان محمد خوارزمشاه در زمان سلطنت خود سنگایی وقف آستان قدس رضوی کرده است. این سنگاب بسیار زیبا و هنرمندانه تزیین و منبت‌کاری شده است. این سنگاب اکنون در موزه آستان قدس محفوظ است.

۶. کتابخانه مؤیدالدین وزیر:

این کتابخانه را یکی از ایرانیان که پدرش در محله «درب البصریین» در جنوب شرقی بغداد (رصافه) پیشه

قصایی داشت، و خود بر اثر کوشش و لیاقت به مقام وزارت رسیده بود، بنا کرد.

او مؤیدالدین ابوالمظفر محمد بن احمدالقصاب نام داشت. وی از کودکی به دانش و علم روی آورد و بعدها مسؤولیت کتابخانه الانشاء (نامه‌نگاری و دیوانی) در دربار خلفای بنی‌العباس را به عهده گرفت، آن‌گاه در سال ۵۹۰ هـ.ق در دوران خلافت الناصرلدينالله العباسی به منصب وزارت رسید و عاقبت در سال ۵۹۲ هـ.ق در همدان درگذشت. او در دوران وزارت خود اقدام به تأسیس و ساختمان کتابخانه‌ای در محله «درب الخیاطین» نمود و کتاب‌های بسیاری را بر آن وقف کرد. وی خوشنویس و نویسنده چیره‌دستی بود و وقفنامه بسیاری از کتاب‌ها را به خط خویش می‌نوشت. این کتابخانه همانند بسیاری دیگر از مراکز علمی بغداد پس از چندی بر اثر حوادث روزگار از میان رفت.

۷. مدرسه جامع السلطان:

این مدرسه در محله «مِحْرَم» در بخش شرقی بغداد در محله‌ای که امروزه به جهت قرارگرفتن قبر ابوحنیفه در آن به «محلّه أعظمیه» شهرت یافته قرار داشته است.

بانی مدرسه ملکشاه (فرزند آلب ارسلان سلجوقی) بوده است. او در سال ۴۸۵ هـ ق دستور بنای آن را صادر کرد، ولی پس از پی‌ریزی ساختمان و بنای بازار و خان و تعدادی مغازه در اطراف آن و وقف آنها بر مدرسه در همان سال درگذشت. تکمیل ساختمان مدرسه پس از مرگ ملکشاه سال‌ها به تأخیر افتاد تا آنکه در سال ۵۰۲ هـ ق بهروز ابوالحسن خادم که از وابستگان و خدمتکاران سلطان غیاث‌الدین (متوفی ۵۴۰ هـ ق) بود اقدام به اتمام ساختمان نمود و آن را جهت تدریس فقه حنفی در اختیار فقیهان آن مذهب قرار داد.

وقف و توسعه علوم

آیات:

توصیه به علم و علم آموزی از جمله فرامین دینی برای اعتلای انسان و جامعه است، که همواره در قرآن کریم و سیره معصومین علیهم السلام ذکر شده است. از این رو واقفین مومن و بلند همت که اندیشه آنها رشد و پیشرفت جامعه است بخشی از وقف های خویش را جهت گسترش و توسعه علوم قرار داده اند، که حاصل این پیوند میمون و ارزشی میان علم و وقف، بسیاری از

انسانهای دانشمند و فرهیخته تربیت شده اند، در این مجال
و بنابر اهمیت موضوع مواردی ارائه می شود که جایگاه
وقف در توسعه علوم را تبیین می نماید و انگیزه ها را
برانگیخته و به تولید علم و آگاهی و بصیرت کمک می
کند.

۱. «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى
التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»^{۱۴۲}؛
و در راه خدا، انفاق کنید! و (با ترک انفاق)
خود را به دست خود، به هلاکت نیفکنید! و
نیکی کنید! که خداوند، نیکوکاران را دوست
می دارد.

۲. «وَأَتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ»^{۱۴۳}؛ چیزی
از مال خدا را که به شما داده است به آنان
بدهید.

۳. «قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا
أَذَى وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ»^{۱۴۴}؛ گفتار پسندیده (در
برابر نیازمندان)، و عفو (و گذشت از
خسوتهای آنها)، از بخششی که آزاری به دنبال

^{۱۴۲}. بقره: ۱۹۵.

^{۱۴۳}. نور: ۳۳.

^{۱۴۴}. بقره: ۲۶۳.

آن باشد، بهتر است و خداوند، بی‌نیاز و بردبار است.

روایات:

۱. عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: لَا يَتَّبِعُ أَحَدًا مِنَ النَّاسِ بَعْدَ الْمَوْتِ شَيْءٌ إِلَّا صَدَقَةٌ جَارِيَةٌ أَوْ عِلْمٌ صَوَابٌ أَوْ دُعَاءٌ وَكَلْدٌ.^{۱۴۵}

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: چیزی پس از مرگ مردم دستگیرشان نخواهد شد بجز صدقه جاریه یا علمی یا دعاء اولاد.

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَجِيءُ الرَّجُلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَهُ مِنَ الْحَسَنَاتِ كَالسَّحَابِ الرُّكَامِ أَوْ كَالجِبَالِ الرَّوَاسِي فَيَقُولُ يَا رَبُّ أَنَّى لِي هَذَا وَ لَمْ أَعْمَلْهَا فَيَقُولُ هَذَا عِلْمُكَ الَّذِي عَلَّمْتَهُ النَّاسَ يُعْمَلُ بِهِ مِنْ بَعْدِكَ.^{۱۴۶}

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: در قیامت شخصی می‌آید در حالی که اعمال نیک او مانند ابرهای مترکم و کوه‌های استوار است گوید: پروردگارا، این نیکی‌ها از

^{۱۴۵}. دعائم الاسلام: ج ۲ ص ۳۴۰ ح ۱۲۷۸.

^{۱۴۶}. بصائر الدرجات: ص ۵ ح ۱۶.

من است؟ خداوند می‌فرماید: این علمی است که به مردم
آموختی و بعد از تو بدان عمل کردند.

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْمُؤْمِنُ إِذَا
مَاتَ وَتَرَكَ وَرَقَةً وَاحِدَةً عَلَيْهَا عِلْمٌ تَكُونُ تِلْكَ
الْوَرَقَةُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سِتْرًا فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ وَ
أَعْطَاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِكُلِّ حَرْفٍ مَكْتُوبٍ
عَلَيْهَا مَدِينَةً أَوْسَعَ مِنَ الدُّنْيَا سَبْعَ مَرَّاتٍ.^{۱۴۷}

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر مؤمنی از دنیا
برود و یک ورق از او بماند که دانشی بر آن باشد، آن
ورقه روز قیامت میان او و دوزخ مانع شود و خدای
تبارک و تعالی بهر حرفی که در آن نوشته است شهری
به او دهد که هفت برابر دنیا باشد.

احکام:

اینجانب به فضل و توفیق الهی ساختمانی را به نیت
مسجد در روستا بنا کردم، ولی با توجه به وجود دو
مسجد و عدم وجود مرکز آموزشی در آنجا، روستای
مزبور در حال حاضر نیازی به مسجد ندارد. با توجه به
اینکه هنوز صیغه وقف آن به عنوان مسجد جاری نشده

^{۱۴۷}. الامالی للصدوق: ص ۳۷ ح ۳.

و دو رکعت نماز به عنوان نماز در مسجد در آن خوانده نشده است، اینجانب آمادگی دارم در صورتی که اشکال شرعی نداشته باشد نیت خود را تغییر داده و آن ساختمان را در اختیار آموزش و پرورش قرار دهم، این مسأله چه حکمی دارد؟

مجرد ساختن ساختمان به نیت مسجد، بدون انشاء صیغه وقف و بدون تحویل آن به نمازگزاران برای خواندن نماز، برای تحقق وقف و تمامیت آن کافی نیست، بلکه در ملک مالک باقی می ماند و او حق دارد هر تصرفی که می خواهد در آن بکند، در نتیجه تحویل آن ساختمان به اداره آموزش و پرورش اشکال ندارد.^{۱۴۸}

داستان:

ربع رشیدی موقوفه‌ای کم نظیر:

یکی از موقوفات جالب و منحصر به فرد، موقوفه «ربع رشیدی» است که در نیمه اول قرن هشتم توسط خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی در تبریز ساخته شده است. این موقوفه شامل مهمانسرا، بیمارستان، دانشکده پزشکی، دارالمساکین، مسجد و ساختمان‌های ویژه

^{۱۴۸}. اجوبة الاستفتائات: سؤال ۱۹۹۷.

خادمان و کارکنان بوده و در زمان خود توسط هیئت
امنا اداره می‌شده است. کلیه طلاب و دانشجویان در این
مجتمع کمک هزینه تحصیلی می‌گرفته‌اند. مقاطع
تحصیلی از دوران ابتدایی تا آموزش حرفه‌ای در این
مجتمع پیش‌بینی شده و محصلان بر حسب توان و
استعداد در آن درجه‌بندی می‌شدند. در این مجتمع،
مشاغل گوناگون نظیر خطاطی، زرگری و از این قبیل
آموزش داده می‌شده است. پزشکان شاغل در آن، به
صورت تمام‌وقت و نیمه‌وقت کار کرده و رشته‌های چشم
پزشکی، داروسازی و جراحی در این مجتمع تدریس
می‌شده است. همچنین بیماران با مراجعه به این مجتمع،
داروهای خود را به صورت رایگان دریافت و به مدد
تأسیس مرکز دام‌پروری در کنار مجتمع، بیماران و
دانشجویان از شیر و گوشت تازه تغذیه می‌کردند. در
موقوفه «ربع رشیدی» همه کارکنان از محل موقوفات
حقوق دریافت می‌کردند و چنانچه دانشجویی قصد
عزیمت به وطن را داشت هزینه سفر، لباس نو و سایر
ماینحتاج او حتی مخارج تهیه سوغات نیز از محل
موقوفات تأمین می‌شده است.

خردسال‌ترین واقف جهان:

سال ۱۳۸۸ «ملیکا گلی آیسک» دختر ۱۰ ساله مشهدی ۱۴ کتاب و جوایز خود را وقف کرد تا برای کشف استعدادها و شکوفایی کودکان نیازمند هزینه شود و در کنار آن فرهنگ کتاب‌خوانی رواج یابد. این واقف که آن زمان به عنوان خردسال‌ترین واقف کتاب جهان شناخته شد و نامش در کتاب رکوردهای ملی ایران و امسال هم در رکورد جهانی «الخیرات» ثبت شده است به ما می‌گوید: حق التألیف و حق الترجمة این تعداد کتاب را در سراسر دنیا وقف کودکان نیازمند کرده‌ام و خیلی خوشحالم که توانسته‌ام قدمی هرچند کوچک در راه اعتلای فرهنگ وقف و سنت نیکوی حمایت از مستمندان بردارم.

دارالعلم شاهپور (سابور):

از مهمترین کتابخانه‌های پرآوازه و شهیر بغداد بود که به همت یکی از ایرانیانی که علم و سیاست و دانایی را در خود جمع کرده بود به وجود آمد. این دانشمند نیک‌سیرت که تمام مؤرخین از او به نیکی یاد کرده‌اند، ابونصر سابور (شاهپور) فرزند اُردشیر (متوفی سال ۴۱۶هـ.ق) است. از او با عناوین: ادیب، دانشمند، سیاستمدار و نویسنده یاد کرده‌اند. ابونصر سه دوره

وزارت بهاءالدوله و یک دوره وزارت شرف الدوله آل بویه را برعهده داشت و در دوران وزارت خود جز نام نیک از خود برجای نگذاشت. یکی از حسنات و باقیات الصالحات او کتابخانه اوست که از آن در تاریخ با عنوان «دارالعلم یا خزانه سابور» یاد می‌شود. وی آن را در سال ۳۸۱هـ.ق در بخش غربی (کرخ) که غالب سکنه آن شیعه بودند در محله‌ای به نام «بین السورین» ایجاد نمود. مورخین گویند او نخست خانه‌ای را در این محله خرید و پس از تعمیر و آماده‌سازی، آن را وقف نمود و در آن کتابخانه شخصی خود و دیگر کتاب‌هایی را که در طول سالیان دراز جمع‌آوری نموده بود، قرار داد و آن را «دارالعلم» نامید. این کتابخانه بنا به روایت مورخین دارای فهرستی بوده است که نام ۱۰۴۰۰ جلد کتاب نفیس و ارزشمند در آن ثبت بوده است. کتابخانه دارای نسخه‌های گران‌قیمت و بی‌نظیری بوده که از آن جمله از ۱۰۰ نسخه قرآن به خط نویسندگان خوش‌خط خاندان مشهور بنی‌مُقله یاد می‌کنند. شاپور به منظور تأمین مخارج کتابخانه و متولیان و کتابداران آن موقوفات فراوانی را وقف این دارالعلم نمود. او سرپرستی و نظارت بر حُسن جریان امور و مخارج

موقوفات کتابخانه را به عهده گروهی از بزرگان و دانش
دوستان بغداد گذاشته بود که عبارت بودند از: دو تن از
علویان بغداد (شریف ابوالحسین محمد بن اَبی شیبه، و
شریف اَبوعبدالله محمد بن احمد الحسینی) و قاضی
اَبوعبدالله حسین بن هارون الضبی، و شیخ ابوبکر محمد
بن موسی الخوارزمی.

نکات:

۱. از قرن دوم تا نهم هجرت، قرن‌هایی است که
اوقاف به نهایت شکوفایی خود رسید. از جمله
موقوفات در آن دوره تاریخ، جهت رشد
شاخه‌های مختلف علوم اختصاص یافت.
جرجی زیدان می گوید: «نظام الملک اولین
کسی بود که در اواسط قرن پنجم هجری به
واسطه ی تاسیس مدارس در ممالک اسلامی
شهرت یافت و در بغداد و اصفهان و نیشابور و
هرات و غیره، مدارس ساخت و همه ی این
مدارس، به خصوص مدرسه ی بغداد بنام وی»
مدرسه نظامیه» خوانده می شد. کتابخانه های

مهمی نیز در این دوران تاسیس و در اختیار عموم گذارده شد که نخستین کتابخانه‌ی عمومی را خلفای عباسی در بغداد دایر کردند و آن را بست الحکمه نامیدند و کتابهای مختلف علمی را در آن جمع کردند^{۱۴۹}.

۲. درختی که وقف گسترش اسلام شد: امسال، واقفی به نام «جهانبخش بهرامیان» در منطقه ماهیدان استان فارس ۱۴ اصله درخت گردو به ارزش ۱۴۰ میلیون را با نیت نشر علوم دینی و معارف اسلامی وقف کرد تا با درآمد حاصل از فروش گردوهای این باغ، به نشر و گسترش علوم اسلامی کمک کند.

۳. تأسیس مدرسه علمیّه: مدارس علمیّه محلیّی برای فراگیری علوم دینی و اسلامی بوده که بدون هزینه‌های دولت و حکومت اداره می‌شده و طلباب و دانش‌پژوهان این مدارس بدون چشم‌داشتی از حکومت‌ها به فراگیری علوم اسلامی می‌پرداختند. بنابراین تمام مدارس علمیّه به صورت وقف ایجاد و از منافع وقت

^{۱۴۹}. فصلنامه وقف، میراث جاویدان: شماره ۳۸ ص ۱۵ - ۲۰.

اداره می‌شده است. نقش عالمان دینی در تأسیس چنین مراکز و مدارس بسیار حائز اهمیت بوده است از جمله: عالم جلیل‌القدر ابوصالح رضوی مدرسه صالحیه در مشهد را که امروزه به مدرسه نواب مشهور است را وقف نمود.

وقف در ادیان و ملل

مردمان جهان از هر کیش و آیینی که باشند از کارهای انسانی استقبال می‌کنند و گاهی خودشان دست به کار شده و به این امور حسنه اقدام می‌کنند. وقف یکی از جلوه‌های مشترک مشارکت آزادگان ملل با تمام اختلاف در بینش و کنش است و این اعتبار وقف را جهانی و وسعت جغرافیای آن را سرزمین‌های آفتاب تاب می‌کند و فقط ناکجا آباد است که از این منبع فیض بشردوستانه محروم است.

آیات:

۱. «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ

يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»^{۱۵۰}؛ خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد و از فحشا و منکر و ستم، نهی می‌کند خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید.

۲. «وَلِكُلِّ وِجْهَةٍ هُوَ مُوَلِّئُهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^{۱۵۱}؛ هر طایفه‌ای قبله‌ای دارد که خداوند آن را تعیین کرده است (بنابراین، زیاد درباره قبله گفتگو نکنید! و به جای آن) در نیکی‌ها و اعمال خیر، بر یکدیگر سبقت جوید! هر جا باشید، خداوند همه شما را (برای پاداش و کيفر در برابر اعمال نیک و بد، در روز رستاخیز)، حاضر می‌کند زیرا او بر هر کاری تواناست.

احکام:

۱. بعضی از زرتشتی‌ها بیمارستانی ساخته‌اند و آن را به مدت هزار سال در راه خیر وقف کرده‌اند، با توجه به ضوابط و مقررات وقف در فقه امامیه، آیا جایز است متولّی وقف در حال

^{۱۵۰}. نحل: ۹۰.

^{۱۵۱}. بقره: ۱۴۸.

حاضر بر خلاف شرایط وقفنامه که در آن تصریح شده است: «اگر درآمد بیمارستان از هزینه‌های آن بیشتر شود باید با آن تعدادی تخت خریده و به تخت‌های موجود در بیمارستان اضافه شود»، عمل نماید؟

در مواردی که وقف از مسلمان صحیح است از غیر مسلمان - اعم از کتابی و غیر کتابی - هم صحیح است، در نتیجه وقف بیمارستان برای استفاده در راه خیر تا هزار سال، هرچند وقف منقطع‌الآخر است، ولی صحّت آن از نظر شرعی بدون اشکال است، لذا عمل به شرایط واقف بر متولی موقوفه واجب است و او حق اهمال آن شرایط و تعدی از آنها را ندارد.^{۱۵۲}

۲. آیا جایز است زمین موقوفه‌ای که مسلمان برای مسلمانان وقف کرده است به غیر مسلمان اجاره داده شود؟

^{۱۵۲}. اجوبة الاستفتائات: سؤال ۲۰۰۰.

اگر وقف زمین به صورت وقف منفعت باشد اجاره دادن آن به غیر مسلمان در صورتی که منفعت وقف با آن محفوظ بماند، اشکال ندارد.^{۱۵۳}

داستان:

اوقاف ظروف:

روزی از یکی از کوچه‌های شهر دمشق می‌گذشتم. غلام بچه‌ای را دیدم که کاسه‌ای چینی از دستش افتاد و شکست. پسرک شروع به گریه کرد و مردم هم گرد او جمع شدند. در این حال یکی از بین مردم گفت: غم نخور! شکسته‌های کاسه را جمع کن ببریم پیش رئیس اوقاف ظروف.

غلام بچه خرده‌ها را جمع کرد و آن مرد همراه او نزد رئیس اوقاف ظروف رفت و پول کاسه را گرفت و به وی داد و کودک را از ضرب و شتم اربابش رهایی بخشید.^{۱۵۴}

^{۱۵۳}. اجوبة الاستفتانات: سؤال ۲۰۸۱.

^{۱۵۴}. مضاربه با خدا: ص ۳۳.

۱. تلقین بیماران: در لبنان موقوفه‌ای وجود دارد که از درآمد آن، باید هر روز ۲ نفر به بیمارستان‌های مختلف شهر بروند و بر بالین بیماران حاضر شوند. این دو نفر باید در حالی که بیمار، صدای آنها را بشنود به آهستگی صحبت کنند و جملاتی را رد و بدل کنند تا روحیه بیمار را بهتر کند. جمله‌هایی با این مضمون: «چشمهاشو نگاه کن. قیافه‌اش رو ببین! حالش خیلی بهتر شده.»^{۱۵۵}

۲. زنان شیرده: صلاح الدین ایوبی در قلعه دمشق مراکزی را برای امداد به زنان شیرده وقف کرده بود، طوری که در آن جا دو ناودان تعبیه کرده بودند که در هفته دو روز، از یکی شیر و از دیگری آمیزه‌ای از آب و شکر می‌ریخت تا زنان شیرده‌ی که با کمبود شیر روبه‌رو بودند، از آنها استفاده کنند و برای نوزادان خود ببرند.

^{۱۵۵}. نگاهی به وقف و آثار اقتصادی اجتماعی آن: ص ۱۴۸.

وقف، میراث ماندگار

ارزش وجودی پدیده‌های جهان با زمان ماندگاری آن ارتباط تنگاتنگی دارد. هر چقدر عمر یک عمل خداپسندانه بیشتر باشد، آثار ارزشمند مترتب بر آن نیز بیشتر است. وقف به محض ایجاد به دست خدا می‌رسد و به عنوان میراثی ماندگار باقی می‌ماند و حریم جاودانه‌اش توسط مردمان همه اعصار تاریخ محترم شمرده می‌شود و همگان از برکاتش منتفع می‌گردند.

آیات:

۱. «إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ»^{۱۵۶}؛
به یقین ما مردگان را زنده می‌کنیم و آنچه را از پیش فرستاده‌اند و تمام آثار آنها را می‌نویسیم و همه چیز را در کتاب آشکار کننده‌ای برشمرده‌ایم.

۲. «وَ اقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَ مَا تَقْدُمُوا لِنَفْسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَ اعْظَمَ اجْرًا وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ

^{۱۵۶}. یس: ۱۲.

رَحِيمٌ»^{۱۵۷}؛ به خدا «قرض الحسنه» دهید [در راه او انفاق نمایید] و (بدانید) آنچه را از کارهای نیک برای خود از پیش می‌فرستید نزد خدا به بهترین وجه و بزرگترین پاداش خواهید یافت و از خدا آمرزش بطلبید که خداوند آمرزنده و مهربان است.

۳. «يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي»^{۱۵۸}؛ می‌گوید: ای کاش برای (این) زندگیم چیزی از پیش فرستاده بودم.

روایات:

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سِتُّ خِصَالٍ يَنْتَفِعُ بِهَا الْمُؤْمِنُ بَعْدَ مَوْتِهِ وَكَدَّ صَالِحٌ يَسْتَغْفِرُ لَهُ وَ مُصْحَفٌ يَفْرَأُ فِيهِ وَ قَلِيبٌ يَحْفَرُهُ وَ غَرَسٌ يَغْرِسُهُ وَ صَدَقَةٌ مَاءٍ يُجْرِيهِ وَ سُنَّةٌ حَسَنَةٌ يُؤْخَذُ بِهَا بَعْدَهُ.^{۱۵۹}

مؤمن پس از مرگ خود از شش خصلت سود می‌برد
فرزند نیکی که برایش آمرزش خواهد، قرآنی که از او

^{۱۵۷}. مزمل: ۲۰.

^{۱۵۸}. فجر: ۲۴.

^{۱۵۹}. الامالی للصدوق: ج ۱ ص ۳۲۳ ح ۹.

بماند و تلاوت شود، چاه آبی که کنده، درختی که کاشته، آبی که وقف کرده، کردار نیکی که رواج داده و پس از مرگش از او پیروی می‌شود.

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَيْسَ يَتَّبِعُ الرَّجُلَ بَعْدَ مَوْتِهِ مِنَ الْأَجْرِ إِلَّا ثَلَاثُ خِصَالٍ صَدَقَةٌ أَجْرَاهَا فِي حَيَاتِهِ فَهِيَ تَجْرِي بَعْدَ مَوْتِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ صَدَقَةٌ مَوْقُوفَةٌ لَا تُورَثُ أَوْ سُنَّةٌ هُدَى سَنَهَا فَكَانَ يَعْمَلُ بِهَا وَ عَمِلَ مِنْ بَعْدِهِ غَيْرُهُ أَوْ وَلَدٌ صَالِحٌ يَسْتَغْفِرُ لَهُ. ١٦٠

انسان پس از مرگ خود مزدی دریافت نمی‌کند مگر از سه خصلت: اول صدقه جاریه‌ای که در زندگی خود فراهم کرده و پس از مرگش هم مورد استفاده است (مثل اینکه چاه آبی کنده یا پلی ساخته یا کتاب دینی منتشر کرده) و وقفی از خود گذاشته که به ارث نمی‌رود، دوم دستور درستی که بوجود آورده و خود بدان عمل می‌کرده و کسانی که بعد از او هستند بدان عمل کردند، سوم فرزند شایسته‌ای که برای او آمرزش بخواهد.

۱۶۰. الخصال: ج ۱ ص ۱۵۱ ح ۱۸۴.

۳. عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ
 اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا يَلْحَقُ الرَّجُلَ بَعْدَ مَوْتِهِ
 فَقَالَ سُنَّةٌ سَنَّهَا يُعْمَلُ بِهَا بَعْدَ مَوْتِهِ فَيَكُونُ لَهُ
 مِثْلُ أَجْرِ مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْتَقِصَ
 مِنْ أَجُورِهِمْ شَيْءٌ وَالصَّدَقَةُ الْجَارِيَةُ تَجْرِي
 مِنْ بَعْدِهِ وَالْوَالِدُ الصَّالِحُ يَدْعُو لِوَالِدَيْهِ بَعْدَ
 مَوْتِهِمَا وَيَحُجُّ وَيَتَصَدَّقُ عَنْهُمَا وَيُعْتِقُ وَ
 يَصُومُ وَيُصَلِّي عَنْهُمَا فَقُلْتُ أَشْرِكُهُمَا فِي
 حَجِّي قَالَ نَعَمْ. ١٦١

انسان پس از مرگ خود از سه چیز بهره‌مند می‌شود:
 سنت و روش نیکویی که از خود بر جای بگذارد و بعد
 از او به آن عمل شود که به اندازه ثواب تمام کسانی که
 به آن عمل می‌کنند در نامه اعمال او نیز نوشته می‌شود،
 صدقه جاریه‌ای که از خود بر جای بگذارد و فرزند
 صالحی که برای والدینش دعا کند و بجای آنها حج
 انجام دهد و برایشان صدقه بدهد و برایشان نماز و روزه
 انجام دهد.

١٦١. الکافی: ج ٧ ص ٥٧ ح ٤.

احکام:

۱. اگر افرادی از موقوف علیهم که در صورت داشتن شرایط حق تولیت دارند، به حاکم شرع مراجعه کنند و از او بخواهند که آنان را به عنوان متولّی نصب نماید و حاکم شرع هم تقاضای آنان را به دلیل عدم وجود شرایط در آنان رد کند، آیا جایز است آنان با تعیین فرد واجد شرایط، به این دلیل که سن کمتری دارد مخالفت کنند؟

کسی که فاقد شرایط است حق تصدّی تولیت وقف و مخالفت با فرد واجد شرایط را ندارد.^{۱۶۲}

۲. ولایت تصرف برای حفظ و تعمیر و اصلاح و جمع‌آوری نذورات و تبرّعات مرقد‌های فرزندان ائمه علیهم السلام که در شهرها و روستاهای ایران هستند و سالهای زیادی بر آنها گذشته و وقف خاص هم نیستند و متولّی خاصی هم ندارند، با چه کسی است؟ آیا کسی حق دارد ادّعای مالکیت زمین مرقد و حرم

^{۱۶۲}. اجوبة الاستفتانات: سؤال ۲۰۱۵.

فرزندان ائمه علیهم السلام را که از زمان‌های

قدیم محل دفن اموات بوده، بنمایید؟

تولیت بقاع مبارکه و اوقاف عام که متولی خاصی ندارند با حاکم و ولیّ امر مسلمین است و این تولیت در حال حاضر به نماینده ولی فقیه در اداره اوقاف و امور خیریه واگذار شده است و زمین صحن و مرقد فرزندان ائمه علیهم السلام و حرم ایشان که از زمان‌های گذشته برای دفن اموات مسلمانان در نظر گرفته شده، حکم وقف عام را دارد مگر آنکه خلاف آن از طریق شرعی نزد حاکم ثابت شود.^{۱۶۳}

داستان:

شیخ انصاری و خرید خانه پایدار یا مسجد:

یکی از مراجع بزرگ تقلید، استاد اعظم، شیخ مرتضی انصاری قدس سره شریف بود که به سال ۱۲۸۱ هجری قمری در نجف اشرف از دنیا رفت و مرقد شریفش در همان جاست، و دو کتاب معروف درسی حوزه‌های علمیه به نام مکاسب و رسائل از تألیفات اوست.

^{۱۶۳}. اجوبة الاستفتانات: سؤال ۲۰۱۷.

روزی یکی از مقلدین او که از تاجر محترم و متدین بود، در مسیر راه خود به مکه برای انجام حج، به نجف اشرف به حضور شیخ انصاری آمد و مبلغی تقدیم کرد، و گفت: این مبلغ، از مال خالص و خمس داده من است، آن را بردارید و برای خود خانه‌ای بخرید و از مستأجری راحت شوید.

شیخ انصاری آن پول را پذیرفت و آن تاجر به مکه رفت، شیخ با آن پول مسجد خوبی در محله خویش در نجف اشرف بنا کرد که تا اکنون به مسجد ترک معروف است و از زمان تأسیسش تا هم‌اکنون، همواره محل درس و بحث علما و مراجع تقلید بوده و مکانی بسیار پر برکت شده است.

آن تاجر در مراجعت از مکه، به نجف اشرف آمد و به حضور شیخ انصاری شرفیاب شد و پس از احوالپرسی، عرض کرد: آیا خانه خریدید؟ شیخ گفت: آری خریدم، سپس آن تاجر را با خود کنار آن مسجد برد و آن را به او نشان داد و فرمود: این مسجد را با آن پولی که دادی بودی بنا کردم.

تاجر گفت: من این مسجد را برای خانه داده بودم، نه برای مسجد!

شیخ گفت: چه خانه‌ای بهتر از این مکان مقدس که عبادت خدا در آن می‌شود، ما به زودی از این دنیا کوچ می‌کنیم، اگر با آن پول، خانه می‌خریدم بعد از من به ورثه منتقل می‌شد، ولی این خانه (مسجد) باقی و ثابت است و به کسی منتقل یا بخشیده نمی‌شود، و خرید و فروش نمی‌گردد.

تاجر، از این عمل نیک انسانی و اجتماعی شیخ، شاد گردید، و علاقه‌اش به شیخ انصاری بیشتر شد.^{۱۶۴}

پل آهنچی:

جالب است بدانیم کارگری قمی که در مسجد از ثواب وقف شنیده بود با حضرت معصومه علیها السلام عهد می‌بندد که موقوفه‌ای از خویش بجای بگذارد، اما او چیزی در بساط نداشت. به جنوب می‌رود تا شاید کار خوبی پیدا کند اما باز موفق نمی‌شود. از طرفی به یاد عهدش با بی بی می‌افتد و به فکر فرو می‌رود. یکباره متوجه صدای مرد غریبه‌ای می‌شود که می‌گوید: بیا با

^{۱۶۴}. داستان‌ها و حکایات مسجد: داستان شماره ۳.

هم بار آهن آن کشتی تازه به ساحل رسیده را بخریم. لحظه‌ای مردد می‌شود اما به خدا توکل می‌کند پای معامله می‌روند و بار را قولنامه می‌کنند و درست در لحظه‌ای که به فکر چگونه پرداختن سهمش می‌رود، مرد شیک پوشی می‌آید و کل بار را یکجا خرید می‌کند. همه چیز برق‌آسا درست می‌شود. سود خوبی می‌برد. به قم برمی‌گردد و اندکی بعد به عهدش وفا می‌کند. کلنگ موقوفه پل آهنچی در جوار حرم کریمه اهل بیت علیها السلام به زمین می‌زند و ثابت می‌کند نیت خالص توفیق الهی را در پی خویش به ارمغان می‌آورد.^{۱۶۵}

ضرب المثل:

۱. چیزی بخور، چیزی بده، چیزی بِنه.
۲. دنیا طلبان ز آخرت محرومند.
۳. دست بی جود، شاخ بی ثمر است.
۴. هرچه در راه خدا می‌دهی، آن می‌ماند نه زَر و سیم و نه باغ و نه دکان می‌ماند.
۵. بدنیا توانی که عَقَبی خری

بخر جان من ور نه حسرت خوری

^{۱۶۵}. رک: کتاب هسته خرمایی برای بهشت: ص ۴۳.

نکات:

وقف شاه عباس: شاه عباس، همه چیزش پرید. کلاهش، تختش، تاجش، خانم هایش، حرمسرایش، قالی هایش، پرده ها، فقط آن کاروانسرایبی که در راه کربلا است، فقط از شاه عباس کاروانسرایش مانده است.^{۱۶۶}

وقف و تألیف قلوب

دعوت انبیاء الهی همواره با محبت و مهرورزی در هم آمیخته و چه بسیار دل‌های تفتیده و زنگار گرفته‌ای که با ترنم محبت نرم و جلا داده و آماده پذیرش سخن حق می‌شوند. انسان با محبت، جذاب می‌شود و انگیزه حق-پذیری مخاطبش ازدیاد می‌یابد. همراهی، سنگ‌صبوری، غمخواری و احیاناً کمک مالی و رهانیدن هموعان از فشار اقتصادی، خواستگاه بیاد ماندنی و فراموش ناشدنی است که تیزپروازان عرصه دلدادگی و شیفتگان رحمت الهی را وا می‌دارد تا سهمی از میراث خویش را در جهت تلطیف قلوب دیگران وقف کنند تا بدین وسیله روزنه‌ای روشن در دنیای تاریک آنان ایجاد

^{۱۶۶}. رک: مضاربه با خدا: ص ۳۱.

کنند. شاید این روزنه نور بر تاریکی وجودی
دگراندیشان فائق آید.

آیات:

۱. «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْعَامِلِينَ
عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْعَارِمِينَ
وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ
اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»^{۱۶۷}؛ زکات‌ها مخصوص فقرا و
مساکین و کارکنانی است که برای (جمع آوری)
آن زحمت می‌کشند، و کسانی که برای جلب
محببتشان اقدام می‌شود، و برای (آزادی)
بردگان، و (ادای دین) بدهکاران، و در راه
(تقویت آیین) خدا، و واماندگان در راه این،
یک فریضه (مهم) الهی است و خداوند دانا و
حکیم است.

۲. «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ
الْمَغْرِبِ وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ
وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبِيِّينَ وَ آتَى الْمَالَ عَلَى
حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينَ وَ ابْنَ
السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقَابِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ

^{۱۶۷}. التوبة: ۶۰.

آتَى الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ
 الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ
 أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»^{۱۶۸}؛
 نیکی، (تنها) این نیست که (به هنگام نماز) روی
 خود را به سوی مشرق و (یا) مغرب کنی (و)
 تمام گفتگوی شما، درباره قبله و تغییر آن باشد
 و همه وقت خود را مصروف آن سازید) بلکه
 نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا و روز
 رستاخیز و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و
 پیامبران، ایمان آورده و مال (خود) را، با همه
 علاقه‌ای که به آن دارد، به خویشاوندان و
 یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان
 و بردگان، انفاق می‌کند نماز را برپا می‌دارد و
 زکات را می‌پردازد و (همچنین) کسانی که به
 عهد خود- به هنگامی که عهد بستند- وفا
 می‌کنند و در برابر محرومیتها و بیماریها و در
 میدان جنگ، استقامت به خرج می‌دهند اینها
 کسانی هستند که راست می‌گویند و (گفتارشان
 با اعتقادشان هماهنگ است) و اینها هستند
 پرهیزکاران.

۱۶۸. بقرة: ۱۷۷.

احکام:

۱. زمینی به اداره بهداشت هدیه شده تا بیمارستان یا مرکز بهداشتی در آن ساخته شود، ولی مسئولین اداره بهداشت تاکنون اقدام به ساخت بیمارستان یا مرکز بهداشتی در آن نکرده‌اند، آیا جایز است واقف زمین را پس بگیرد؟ و آیا مجرد تسلیم زمین به مسئولین اداره بهداشت برای تحقق وقفیت، کافی است یا آنکه ساخت ساختمان در آن هم شرط است؟
۲. اگر تحویل زمین توسط مالک به مسئولین اداره بهداشت بعد از انشاء وقف به وجه شرعی، به عنوان تسلیم به متولیان شرعی وقف باشد، حق رجوع و پس گرفتن آن را ندارد، ولی اگر یکی از دو امر مذکور تحقق پیدا نکند حق دارد زمین خود را از آنان پس بگیرد.^{۱۶۹}

ضرب المثل:

۱. چیزی بخور، چیزی بده، چیزی بیه.

^{۱۶۹}. اجوبة الاستفتانات: سؤال ۲۰۶۳.

۲. خواهی متمتع شوی از نعمت دنیا با خلق کرم
کن که خدا با تو کرم کرد.
۳. کوتاه نظران را نبود جز غم خویش
صاحب نظران را غم بیگانه و خویش.

نکات:

۱. تربیت اسلامی در حقیقت اشاره به اصلی ترین
فلسفه موجودی وقف دارد، چرا که به مصداق
آیه شریفه: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»^{۱۷۰} و حدیث
نبوی «هر کس شب را به روز آورد و در فکر
چاره جوئی برای حل مشکلات مسلمین نباشد،
مسلمان نیست»^{۱۷۱}، وظیفه هر فرد مسلمان و
متقی است که با بذل مال خود به یاری برادران
دینی خویش برخیزد.
۲. وقف‌های خوراکی: یکی از جالب ترین وقف
ها در استان فارس وجود دارد. مطابق اسناد،
در یکی از شهرهای استان فارس باغ‌های
اصطهبانات (پسته و بادام) وقفی شده که مغز
بادام و مغز گردو به بچه‌هایی که مسجد

^{۱۷۰}. حجرات: ۱۰.

^{۱۷۱}. تحف العقول: ص ۵۸.

می‌آیند، می‌دهند و با این وقف مسجد را پر از جوان می‌کنند.

آسیب شناسی وقف

آیات:

۱. «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»^{۱۷۲}؛ در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید! و از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید که مجازات خدا شدید است.
۲. «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ»^{۱۷۳}؛ هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی‌رسید مگر اینکه از آنچه دوست می‌دارید، (در راه خدا) انفاق کنید و آنچه انفاق می‌کنید، خداوند از آن آگاه است.
۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعُ فِيهِ وَ لَا خُلَّةٌ وَ لَا شَفَاعَةٌ وَ

^{۱۷۲}. مائدة: ۲.

^{۱۷۳}. آل عمران: ۹۲.

الْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ»^{۱۷۴}؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از آنچه به شما روزی داده‌ایم، انفاق کنید! پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن، نه خرید و فروش است (تا بتوانید سعادت و نجات از کیفر را برای خود خریداری کنید)، و نه دوستی (و رفاقت‌های مادی سودی دارد)، و نه شفاعت (زیرا شما شایسته شفاعت نخواهید بود) و کافران، خود ستمگرند (هم به خودشان ستم می‌کنند، هم به دیگران).

۴. «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^{۱۷۵}؛ آنها که اموال خود را، شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق می‌کنند، مزدشان نزد پروردگارشان است نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین می‌شوند.

۵. «وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيْتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»^{۱۷۶}؛ و (کار) کسانی که

^{۱۷۴}. بقرة: ۲۵۴.

^{۱۷۵}. بقرة: ۲۷۴.

^{۱۷۶}. بقرة: ۲۶۵.

اموال خود را برای خشنودی خدا، و تثبیت (ملکات انسانی در) روح خود، انفاق می‌کنند، همچون باغی است که در نقطه بلندی باشد، و باران‌های درشت به آن برسد، (و از هوای آزاد و نور آفتاب، به حد کافی بهره گیرد)، و میوه خود را دو چندان دهد (که همیشه شاداب و با طراوت است). و خداوند به آنچه انجام می‌دهید، بیناست.

۶. «أَمَّا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ»^{۱۷۷}؛ خدا، تنها از

پرهیزگاران می‌پذیرد.

۷. «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ

لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»^{۱۷۸}؛ پس هر که به

لقای پروردگارش امید دارد، باید کاری شایسته

انجام دهد و هیچ کس را در عبادت

پروردگارش شریک نکند.

روایات:

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: تَصَدَّقَ أَمِيرُ

الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِدَارٍ لَهُ بِالْمَدِينَةِ فِي بَنِي

^{۱۷۷}. مائدة: ۲۷.

^{۱۷۸}. كهف: ۱۱۰.

زُرَيْقٍ فَكَتَبَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا مَا
 تَصَدَّقَ بِهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَهُوَ حَىُّ سَوِيٌّ
 تَصَدَّقَ بِدَارِهِ الَّتِي فِي بَنِي زُرَيْقٍ صَدَقَةً لَا تُبَاعُ وَ
 لَا تُوهَبُ حَتَّى يَرِثَهَا اللَّهُ الَّذِي يَرِثُ السَّمَاوَاتِ وَ
 الْأَرْضِ وَ أَسْكَنَ هَذِهِ الصَّدَقَةَ خَالَاتِهِ مَا عِشْنَ وَ
 عَاشَ عَقِبُهُنَّ فَإِذَا انْقَرَضُوا فَهِيَ لِذَوِي الْحَاجَةِ
 مِنَ الْمُسْلِمِينَ. ١٧٩

امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام خانه‌ای را که در مدینه منوره در قبیله رزیک داشت صدقه کرد و نوشت: بنام بخشاینده مهربان این صدقه علی بن ابی طالب علیه السلام خانه‌ای که در قبیله رزیک داشته صدقه کرد که فروخته و هبه نشود تا زمانی که خدا وارث آسمانها و زمین می‌شود «روز قیامت» و در این خانه صدقه خاله‌های خود را سکونت داد که تا زنده‌اند در آنجا زندگی کنند و اعقاب آنان نیز در آنجا ساکن شوند و در صورت انقراض آن خانه برای مسلمانان نیازمند باشد و خدا گواه است.

٢. عَبْدُ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ
 السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يَتَصَدَّقُ بِالصَّدَقَةِ ثُمَّ يَعُودُ فِي

١٧٩. تهذیب الاحکام: ج ٩ ص ١٣١ ح ٧.

صَدَقْتَهُ فَقَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ
 آلِهِ: إِنَّمَا مِثْلُ الَّذِي يَتَصَدَّقُ بِالصَّدَقَةِ ثُمَّ يَعُودُ
 فِيهَا مِثْلُ الَّذِي يَقِيءُ ثُمَّ يَعُودُ فِي قَيْئِهِ.^{١٨٠}

عبدالله بن سنان گفت: از امام صادق علیه السلام پرسیدم
 از مردی که صدقه‌ای بدهد سپس به صدقه خود برگردد
 فرمود: رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: مثل
 کسی که صدقه بدهد سپس به صدقه برگردد مانند کسی
 است که استفراغ و قی کند و قی کرده خود را بخورد.

٣. عَنْ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ
 عَلَيْهِ السَّلَامُ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ اشْتَرَيْتُ أَرْضًا
 إِلَى جَنْبِ ضَيْعَتِي بِالْفَنَى دَرَاهِمَ فَلَمَّا وَقَيْتُ الْمَالَ
 خَبَرْتُ أَنَّ الْأَرْضَ وَقَفٌ فَقَالَ لَا يَجُوزُ شِرَاءُ
 الْوَقْفِ وَلَا تُدْخِلُ الْغَلَّةَ فِي مَالِكَ ادْفَعْهَا إِلَى مَنْ
 أَوْقَفَتْ عَلَيْهِ قُلْتُ لَا أَعْرِفُ لَهَا رَبًّا قَالَ تَصَدَّقْ
 بِغَلَّتِهَا.^{١٨١}

ابوعلی بن راشد گفت: به امام کاظم علیه السلام عرض
 کردم: فدایت شوم من زمینی در جوار دهی که داشتم به
 دو هزار درهم خریدم چون مالم فراوان شد باخبر گشتم

^{١٨٠}. تهذیب الاحکام: ج ٩ ص ١٥١ ح ٦١٨.

^{١٨١}. الکافی: ج ٧ ص ٣٧ ح ٣٥.

که آن زمین وقف است؟ امام علیه السلام فرمود: خریدن وقف جائز نیست، غله حاصل از آن داخل مال خود مکن، بلکه آنرا به موقوف علیهم برسان عرض کردم، من آنها را نمی‌شناسم فرمود: آن غله از ظرف موقوف علیهم صدقه بده.

۴. قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَتَصَدَّقْ عَلَيَّ
أَعْيُنِ النَّاسِ لِيُزَكُّوكَ فَإِنَّكَ إِنِ فَعَلْتَ ذَلِكَ فَقَدْ
اسْتَوْفَيْتَ أَجْرَكَ وَ لَكِنْ إِذَا أُعْطِيتَ بِيَمِينِكَ فَلَا
تُطْلِعْ عَلَيْهَا شِمَالَكَ فَإِنَّ الَّذِي تَتَصَدَّقُ لَهُ سِرًّا
يُجْزِيكَ عَلَانِيَةً.^{۱۸۲}

امام صادق علیه السلام فرمودند: جلو چشم مردم صدقه نده تا تو را ستایش کنند؛ زیرا اگر چنین کنی هر آینه پاداش خود را گرفته‌ای؛ بلکه اگر با دست راست صدقه دادی دست چپت خبردار نشود؛ زیرا آن کسی که به خاطر او پنهانی صدقه می‌دهی، پاداش تو را آشکارا خواهد داد.

۵. كَتَبَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي

^{۱۸۲}. تحف العقول: ص ۳۰۵.

الْوُقُوفِ وَ مَا رُوِيَ فِيهَا عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ
فَوَقَّعَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْوُقُوفُ تَكُونُ عَلَى حَسَبِ مَا
يُوقَفُهَا أَهْلُهَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.^{۱۸۳}

محمد بن حسن صفار از امام حسن عسکری علیه السلام در مورد وقف و روایاتی که از پدران بزرگوارشان رسیده پرسید. امام علیه السلام در جواب فرمودند: وقف ها به همان گونه که واقفان مقرر داشته اند می باشد.

احکام:

۱. اگر متولیان حسینیّه بعد از اتمام وقف، یک نظام داخلی برای آن تنظیم کنند، ولی بعضی از بندهای آن با مقتضای وقفیت آن معارض باشد، آیا شرعاً عمل به آن بندها جایز است؟

متولّی موقوفه حق ندارد چیزی را وضع کند که با مقتضای وقف در تعارض باشد و شرعاً هم عمل به آن جایز نیست.^{۱۸۴}

^{۱۸۳}. من لا یحضره الفقیه: ج ۴ ص ۲۳۷ ح ۵۵۶۷.

^{۱۸۴}. اجوبة الاستفتانات: سؤال ۲۰۰۴.

۲. آیا می‌توان در زمین‌های وقفی مصلی یا

حسینیه ساخت؟

زمین‌های وقفی، قابل وقف مجدد به عنوان مسجد یا حسینیه و غیره نیستند و واگذاری آنها به‌طور مجانی برای ساخت مصلی یا یکی از مؤسسات عمومی مورد نیاز مردم برای هیچ‌کس جایز نیست، ولی اجاره دادن آنها توسط متولی شرعی برای ساختن مصلی یا مدرسه یا حسینیه در آنها اشکال ندارد و مبلغ اجاره زمین‌های مزبور باید در جهاتی که برای وقف معین شده است، مصرف شود.^{۱۸۵}

۳. اگر بعضی از متولیان ادعا کنند که متولیان دیگر

خائن هستند و اصرار بر عزل آنان داشته

باشند، حکم شرعی چیست؟

واجب است بررسی اتهام کسانی را که متهم به خیانت

هستند، به حاکم شرع ارجاع دهند.^{۱۸۶}

۴. اگر وصف «ارشد و اصلح» در تولیت فرزند

ذکوری که از جهت سنی در بین موقوف‌علیهم

^{۱۸۵}. اجوبة الاستفتانات: سؤال ۲۰۴۴.

^{۱۸۶}. اجوبة الاستفتانات: سؤال ۲۰۰۷.

از همه بزرگتر است شرط باشد، آیا اثبات رشد و صالح بودن هم واجب است یا اینکه مجرد بزرگتر بودن او از جهت سنی باعث می‌شود که اصل بر اصلح و ارشد بودن او گذاشته شود؟

باید همه شروط تصدّی تولیت احراز شود.^{۱۸۷}

۵. عده‌ای از افراد بدون اجازه متولّی خاص، اقدام به تخریب کتابخانه واقع بین اتاق مدرسه مسجد جامع و آشپزخانه حسینیه که متصل به مسجد است نموده‌اند و آن را جزء مسجد کرده‌اند، آیا این کار آنان صحیح است؟ و آیا نماز خواندن در آن مکان جایز است؟

اگر ثابت شود که زمین کتابخانه، فقط برای کتابخانه وقف شده است، کسی حق تغییر و تبدیل آن به مسجد را ندارد و نماز خواندن در آن جایز نیست و هر کسی که ساختمان آن را خراب کرده، واجب است آن را به حالت اولیه‌اش برگرداند، ولی اگر وقف آن برای

^{۱۸۷}. اجوبة الاستفتانات: سؤال ۲۰۳۳.

خصوص کتابخانه ثابت نشود، نماز خواندن در آن اشکال ندارد.^{۱۸۸}

۶. اشخاصی در قبرستان‌های عمومی از دفن اموات در کنار بعضی از قبور جلوگیری می‌کنند، آیا مانع شرعی برای دفن اموات در آنجا وجود دارد؟ و آیا آنها حق دارند از این کار جلوگیری کنند؟

اگر قبرستان وقف باشد و یا دفن میّت برای هر فردی در آن مباح باشد، کسی حق ندارد حریمی در اطراف قبر میّت خود در قبرستان عمومی ایجاد کند و از دفن اموات مؤمنین در آن جلوگیری نماید.^{۱۸۹}

داستان:

داستان بهلول و هارون:

هارون الرشید در بغداد مسجدی احداث کرد و بر سر در آن خود نام را نوشت. روزی که برای بررسی به آن مسجد آمده بود بهلول رسید و گفت چه ساخته‌ای؟ هارون گفت خانه خدا را بنا کرده‌ام. بهلول گفت: دستور

^{۱۸۸}. اجوبة الاستفتانات: سؤال ۲۰۳۶.

^{۱۸۹}. اجوبة الاستفتانات: سؤال ۲۱۰۵.

یده تا اسم مرا بجای اسم تو بر دیوار نقش کنند. شاه غضبناک شد و گفت من مسجد ساختم و بر آن، نام تو را بنویسم؟ بهلول گفت: پس چرا می‌گویی خانه خدا؟ هارون گفت پس چه بگویم؟ بهلول به او گفت: بگو خانه خودم. یعنی بنایی که برای شهرت شخصی است، نام آن را خانه خدا گذاشتن نادرست است، زیرا برای خدا نیست.^{۱۹۰}

ضرب المثل:

نان همسایگان دزدیدن و به همسایگان دادن در شرع نیست.

نکات:

عملی مورد قبول خداوند قرار می‌گیرد که برای خدا و با اخلاص انجام شده باشد

عدم وقف خصوصی در مسجد: صاحب جواهر در مورد ممنوعیت وقف خصوصی در مسجد می‌فرماید: المراد بالمسجد شرعا المكان الموقوف علی كافة المسلمین للصلوة.^{۱۹۱}

^{۱۹۰}. حکایات برگزیده از زندگی علما با سلاطین: ص ۷۴.

^{۱۹۱}. جواهر الاحکام: ج ۲۴ ص ۶۹.

کتابنامه

- قرآن کریم با ترجمه آیت الله مکارم شیرازی ناصر، قم، دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، ۱۳۷۳ ش
- احکام وقف در شریعت اسلام، الکبیس، محمد عبید، مترجم احمد صادقی گلدر، مازندران، انتشارات اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه استان مازندران، ۱۳۶۴.
- فارسی عمید، دوره ۲ جلدی، عمید، حسن، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- لغت نامه دهخدا، دوره ۱۵ جلدی، دهخدا، علی اکبر تهران، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- اجوبه الاستفتائات مقام معظم رهبری، حضرت ایت الله خامنه ای، تهران، انقلاب اسلامی، چاپ اول
- الأمالی (للسدوق)، ابن بابویه، محمد بن علی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ ش
- البرهان فی تفسیر القرآن، بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، تحقیق و تصحیح: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسه البعثة، قم، مؤسسه بعثه، ۱۳۷۴ ش
- الترغیب و الترهیب، المنذری، زکی الدین عبدالعظیم بن عبدالقوی، بیروت، انتشارات دارالاحیاء، ۱۳۸۸.
- السیرة النبویة (لابن هشام)، ابن هشام حمیری معافری، بیروت، دار المعرفة، بی تا.

- الغيبة (للطوسي) / كتاب الغيبة للحجة، طوسي، محمد بن الحسن، تحقيق و تصحيح: تهراني، عباد الله و ناصح، علي احمد، ايران؛ قم، دار المعارف الإسلامية، ١٤١١ ق
- المغازي، ابو عبدالله محمد بن عمر الواقدي، قم، انتشارات دفتر تبليغات اسلامي، ١٣٨٦ ش
- انساب الاشراف، احمد بن يحيى بلاذري، بيروت، موسسه الاعلمي، بي تا
- بحار الأنوار، محمداقصر بن محمد تقى (مجلسي)، تحقيق و تصحيح جمعي از محققان، بيروت، دارالاحياء التراث العربي، ١٤٠٣ ق
- بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، صفار، محمد بن حسن، تحقيق و تصحيح: كوجه باغي، محسن بن عباسعلي، ايران؛ قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ١٤٠٤ ق
- تاريخ مدينه منوره، ابن شبه نميري، موسسه تحقيقات و نشر معارف اهل بيت عليهم السلام، بي تا
- تاريخ الكامل، دورة ١٣ جلدی، ابن اثير، عزالدين، مترجم سيّد محمد حسين روحاني، تهران، انتشارات اساطير، ١٣٨٥.
- تحف العقول، ابن شعبه حراني، حسن بن علي، تحقيق و تصحيح: غفاري، علي اكبر، قم، جامعه مدرسين، ١٤٠٤ / ١٣٦٣ ق
- ترجمه مجمع البيان في تفسير القرآن، تهران، انتشارات فراهاني، ١٣٦٠ ش

- تفسیر المیزان، علامه محمد حسین طباطبائی، انتشارات موسسه انتشارات امیرکبیر.
- تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپخانه سرور، چاپ چهل و دوم سال ۸۷
- تهذیب الأحکام (تحقیق خرسان)، طوسی، محمد بن الحسن، تحقیق و تصحیح: خرسان، حسن الموسوی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- جامع الاحادیث الشیعہ، المعزّی المالیری، اسماعیل، قم، انتشارات چاپ علمی، ۱۳۹۷.
- چرا و چگونه وقف کنیم، دانش پور، علی، ریاحی سامانی، نادر، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۸.
- خصال، ابن بابویه، محمد بن علی، تحقیق و تصحیح: غفاری، علی اکبر، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲ ش
- داستانها و حکایتهای مسجد، غلامرضا نیشابوری، - دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، دوره ۲ جلدی، خرّمشاهی، بهاءالدین، تهران، انتشارات دوستان و ناهید، ۱۳۷۷.
- دایره المعارف تشیّع، دوره ۱۰ جلدی، صدر حاج سیدجوادی، احمد و همکاران، تهران، نشر شهید سعید محبّی، ۱۳۸۰.
- دعائم الإسلام، ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، تحقیق و تصحیح: فیضی، آصف، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، ۱۳۸۵ ق

- روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (ط - القديمة)، فتال
نیشابوری، محمد بن احمد، ایران؛ قم، انتشارات رضی،
۱۳۷۵ ش

- سیری در سیرة نبوی، مطهری، مرتضی، تهران،
انتشارات صدرا، ۱۳۸۸.

- غررالحکم و دررالکلم آمدی، دورة ۲ جلدی، رسولی
محلّاتی، سیّد هاشم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی،
۱۳۸۶.

- فرهنگ فارسی عاشورا، مهدی وحیدی صدر و سعید
سپهری نیک، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی، ۱۳۸۴

- فرهنگ فارسی معین، دوره ۶ جلدی، معین، محمّد،
تهران، انتشارات ثامن، ۱۳۸۶.

- فصلنامه وقف میراث جاودان، سازمان اوقاف و امور
خیریه، تهران.

- قاموس قرآن، قرشی، سیّد علی اکبر، دورة ۷ جلدی،
تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶.

- کتاب من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی بن
بابویه (معروف به شیخ صدوق)، تصحیح و تعلیق علی
اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه
مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق

- کافی، محمد بن یعقوب کلینی (شیخ کلینی)، تصحیح و
تعلیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الإسلامیه،
۱۴۰۷ق

- کمال الدین و تمام النعمة، ابن بابویه، محمد بن علی، تحقیق و تصحیح: غفاری، علی اکبر، تهران، اسلامیة، ۱۳۹۵ ق
- لسان العرب، دوره ۱۵ جلدی، محمد بن مکرم بن منظور، قم، نشر ادب حوزه، ۱۳۶۳.
- معجم البلدان، الحموی، یاقوت بن عبدالله، بیروت، انتشارات دارصار، ۱۳۹۹.
- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسین بن محمدتقی (محدث نوری)، تحقیق و تصحیح مؤسسه آل البيت عليهم السلام قم، مؤسسه ال البيت، ۱۴۰۸ ق
- مضاربه با خدا، معاونت فرهنگی اوقاف، تهران، معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه، چاپ اول
- معارف و معاریف، حسینی دشتی، سید مصطفی، دوره ۵ جلدی، تهران، مؤسسه فرهنگی آرایه، ۱۳۸۵.
- معجم المقاییس فی اللغة، احمد بن فارس زکریا، بیروت، انتشارات دارالفکر، ۱۴۱۸.
- مفردات الالفاظ القرآن، الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد، بیروت، انتشارات ذوی القربی، ۱۴۲۳.
- منابع مالی اهل بیت عليهم السلام، علی دوست خراسانی، نورالله، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹.

- نگاهی به وقف و آثار اقتصادی - اجتماعی آن،
سلیمی‌فر، مصطفی، مشهد، انتشارات پژوهش‌های
اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
- نهج البلاغه، محمد بن حسن (شریف رضی)، تحقیق و
تصحیح صالح صبحی، قم، انتشارات هجرت، ۱۴۱۴ ق.
- وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن،
تحقیق و تصحیح: مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام،
مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام، قم، ۱۴۰۹ ق
- وفاء الوفا باخبار دارالمصطفی، نورالدین علی بن
احمد السمهونی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی،
۱۹۹۷ م
- وقف و غدیر، معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور
خیریه، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۸۵.